

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان ایران به مناسبت اول ماه مه

در صفحه ۲

راه توده

شهره‌ها در تهران حزب توده ایران در خلیج از کشور

شماره ۱۰ اردیبهشت ۱۳۱۳ طاباق
۲۰ آبریل ۱۹۸۱
سال دوم، شماره ۸۹
بهمنسال ۴۰

ندامت نامه سرگشاده حاکمیت ج.ا. به پیشگاه "شیطان بزرگ"

چرخش در سیاست غرب یا کرنش خاضعانه تر در برابر امپریالیسم؟

مصداق این حکم، مصاحبه آقای هاشمی رفسنجانی با خبرنگار شبکه تلویزیونی ای. بی. سی. آمریکا است. این مصاحبه در شرایطی انجام می‌شود که از یک سو ایالات متحده، با بهره برداری از جنگ فرسایشی ایران و عراق، اشغال منطقه وسیعی از خلیج فارس و تجاوز نظامی به حق حاکمیت مردم ما، در عمل به همسایه تجاوز کار جمهوری اسلامی تبدیل شده است و از سوی دیگر سران جمهوری اسلامی با جنجال تبلیغاتی درباره استفاده جنایتکارانه

بقیه در صفحه ۴

معامله‌گری تسلیم طلبانه سران جمهوری اسلامی با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، دم به دم ابعاد شدیدی گسترده تری به خود می‌گیرد. سران جمهوری اسلامی در ادامه سیاست "جلب پشتیبانی کامل امپریالیسم آمریکا به هر قیمت"، اینک به جایی رسیده‌اند که در ازای پیش فروش دست‌آورد های انقلاب خلق، استغافه کنان از "شیطان بزرگ" می‌خواهند راهی برای پیروزی در جنگ توسعه طلبانه و نجات از بن‌بست سیاسی پیش پای آنان بگذارند.

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به رفیق چرنکو

در صفحه ۱۶

سکوی پرافتخار اول ماه مه

عید کارگران جهان از راه می‌رسد، عیدی به یایی پیکار و اصالت خون که سرشت و زندگی زگر را می‌سازد. و همان هنگام که آکامی‌اش صیقل می‌دهد، بر کابوس و خوف دشمنان ناتی او می‌افزاید.

طبقه کارگر ایران در این جشن خجسته، هم به و هم به پیش روی خود نظر دارد. زیرا برای متن تاریخی که آینده سرزمینش را سازد، به آموختن از تجربه گذشته خود نیاز دارد. او خود را در میان گروهبادهای مملکت و نیلی که جباران نوکر صفت رضاشاهی پیشش کشودند، می‌یابد و زیر برق تهدید کننده نیرزه‌های محمد رضائی که از رنج و عرقش، طلا ختقد و همه را یک جا به غارت بردند او خود عاصی و بی‌خاسته علیه ستم و بیداد و بندگی میدان شهدا می‌یابد، در میدانی که مجسمه کی شاه را به زیر می‌کشید و شادمانه سرنگونی و بر سرگور او می‌رقصید: او خود را خوش و پرتوان در سنگر کار و پیکار می‌بیند، عرصه کارخانه و در میدان جنگ با قلبی یئنه برای نابودی امپریالیسم و پرامید برای فتن ایرانی آباد، آزاد و در امن و آرامش! اکنون نیز کینه و امیدش همچنان رجاست، همان گونه که محرومیت و رنجش ۶۰ بقیه در صفحه ۱۵

بار دیگر، یک جنایت هولناک!

رفیق محسن علوی،

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

زیر شکنجه به شهادت رسید

شادروان سید محسن علوی، استاد فیزیک را به اطلاع عموم بستگان، دوستان، فرهنگیان و شاگردان آن مرحوم می‌رساند. مجلس ختم (زبانه و مردانه) روز پنجشنبه ۲۰ بهمن

بقیه در صفحه ۵

در صفحه آکمی مجالس ترجمیم روزنامه اطلاعات - نوزدهم بهمن ۶۲ - آکمی زیر چاپ شده است: "با کمال تأسف و اندوه فراوان در گذشت جانسوز همسر، پدر و برادر و خریشاوند عزیز خود"

اعتراضات مخالفین کشتار و جنایات ج.ا. در اروپا

دفتر موابیمایی ایران در فرانکفورت از جمله محل‌هایی بودند که به اشغال مخالفین در آمدند. در لاهه سخنگوی مخالفین اظهار داشت این عمل در اعتراض به شرایط سخت بیش از صد هزار زندانی سیاسی در ایران، صورت گرفته است. او اضافه کرد اعتراض به کک‌های سیاسی و نظامی

بقیه در صفحه ۱۲

طبق گزارش مطبوعات خارجی تعدادی از ایرانیان مخالف کشتار و جنایات رژیم جمهوری اسلامی روز پنج‌شنبه هفته گذشته در تعدادی از شهرهای اروپا، نمایندگی‌های سیاسی و دیگر موسسات جمهوری اسلامی را اشغال کردند. سفارت ایران در لاهه پایتخت هلند، نمایندگی یونسکو در پاریس، کنسولگری ایران در لندن و

و خنده باد جشن اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران!

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان ایران به مناسبت اول ماه

کارگران و زحمتکشان ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران روز اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران را به شما پیشروان مبارزه در راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و صلح، از صمیم قلب شادباش می‌گوید.

شما کارگران و زحمتکشان ایران، روز همبستگی بین‌المللی کارگران را در شرایطی برگزار می‌کنید که میهن ما با مشکلات عظیم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روبرو است. بی‌کاری و فقر و مسکنت در حال گسترش است، توده‌های زحمتکش از ابتدایی‌ترین حقوق و آزادی‌های دمکراتیک محروم‌اند، حق تشکیل سندیکاهای آزاد و مستقل و حق اعتصاب از آنان سلب و برگزاری روز اول ماه مه، که یکی از دست‌آوردهای زحمتکشان بوده، ممنوع شده است. شما کارگران که با اعتصاب‌های اقتصادی و گذار آنها به اعتصاب‌های سیاسی سرتاسری و بستن شیرهای نفت و فلج ساختن اقتصاد، رژیم ضدملی و ضددمکراتیک شاه را مجبور به تسلیم در برابر اراده خلق کردید، نقش تعیین‌کننده در پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ دارید.

شما، بنا بر رسالت شگرف تاریخی خود پیشاپیش نیروهای محرکه انقلاب، مبرم‌ترین خواست‌های توده‌های مردم جامعه را هم در جریان اوج نهضت انقلابی و هم بعد از پیروزی رساندن آن مطرح ساختید که تحول بنیادی جامعه، مضمون و محتوای آن را تشکیل می‌دهد.

شما، با مبارزه سرسخت و بی‌پیکر و بی‌امان خود نشان دادید که تنها خواهان تغییر در روبنای سیاسی نیستید و دگرگونی بنیادی زیربنا را نیز ضروری می‌شمارید. پایان دادن به سیطره امپریالیسم و از بین بردن هرگونه مظاهر نظام سرمایه‌داری وابسته، که در جریان اوج نهضت انقلابی از جانب شما مطرح گردید، به زودی به شعار همه خلق مبدل شد و تحت

فشار افکار عمومی در قانون اساسی بازتاب یافت.

شما پس از پیروزی رساندن انقلاب شکوهمند ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی به حق انتظار آن را داشتید که در تداوم انقلاب شرکت فعال داشته و آماج‌های توده‌های میلیونی را برآورده سازید. ولی انحصارطلبان و قشریون حاکم که از نفوذ و قدرت فزاینده طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان وحشت داشتند و آنها را سد راه مقاصد ایران برپاداده خود می‌دیدند، لبه تیز حمله را متوجه سرکوب تشکلهای خودجوش کارگری، انجمن همبستگی، سندیکاهای آزاد و کمیته‌های کارگری، کردند.

حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به مثابه مدافعین راستین منافع کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا در دوران فعالیت علنی کوتاه مدت خویش، فداکارانه علیه ارتجاع و عمال امپریالیسم مبارزه کردند تا از بازگشت انقلاب به عقب جلوگیری کرده و آن را به سوی تأمین منافع زحمتکشان سوق دهند.

متأسفانه با غلبه نیروهای ارتجاعی و واپسگرا در حاکمیت، چرخش به سوی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و احیای نظام منحط سرمایه‌داری وابسته، آغاز شد. برای پیشبرد این سیاست عمیقاً ضدملی بود که می‌بایست حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) غیرقانونی اعلام کردند، انجمن‌های به اصطلاح اسلامی کارخانه‌ها و موسسات، برای مقابله با نارضایی‌ها و سرکوب و حشیانه هر نوع اعتراض و اعتصاب کارگران و زحمتکشان ایجاد شوند. برای پیشبرد این سیاست عمیقاً ضدملی بود که هزاران نفر توده‌ای و فدایی روانه سیاه‌چال‌های رژیم شدند و گروهی از بهترین فرزندان خلق و مبارزان راه رهایی زحمتکشان به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. ارتجاعی‌ترین و

قشری‌ترین جناح هیأت حاکمه که انقلاب را از مضمون اجتماعی و اقتصادی آن تهی ساخته، خواه ناخواه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشور را در برابر وظیفه جدیدی قرار می‌دهد، سرنوشت خلق و آینده کشور، کارگران و زحمتکشان ایران را موظف می‌سازد تا برای نیل به هدف‌های زیرین، مبارزه را ادامه دهند:

- پایان دادن به سیاست‌های ارتجاعی حاکمیت، که در صدد احیاء مواضع سیاسی و اقتصادی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و امپریالیسم در کشورند.

- خاتمه دادن به جنگ خانمانسوز و بی‌حاصل ایران و عراق و جنگ برادرکشی در کردستان که صدها هزار کارگر و دهقان را به کام مرگ کشانده و یا معلول و مجروح، تحویل جامعه داده است.

- تأمین آزادی‌های دمکراتیک برای همه احزاب ملی و مترقی و پایان دادن به هرگونه تبعیض و انحصارطلبی و اعمال فشار و تحویل نظریات از سوی هر مقامی و فردی. مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی و مبارزان راه آزادی زحمتکشان.

- تأمین آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، سندیکاهای دیگر سازمان‌های صنفی زحمتکشان، تظاهرات و آزادی دفاع در محاکم.

- به رسمیت شناختن حق اعتصاب برای کلیه زحمتکشان و نیز تعطیل رسمی روز اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران.

- تأمین شرکت موثر کارگران در امور کارخانه‌ها و خدمات، از طریق اتحادیه‌های سندیکایی کارگری.

- تنظیم و تصویب و اجرای قانون کار و قانون بیمه‌های اجتماعی بر مبنای دمکراتیک و با شرکت مستقیم کارگران.

- از میان بردن بی‌کاری آشکار و پنهان در شهر و روستا و تضمین اشتغال به مثابه حق مسلم شهروندان.

- افزایش دستمزدها متناسب کار و نیازمندی‌های درجه مادی و معنوی زحمتکشان خانواده‌های آنان با توجه نوسانات هزینه‌های زندگی.

- تجدید نظر فوری در طبقه بندی مشاغل، تأمین مسکن متنا، برای کارگران و افزایش مست کارگران بازنشسته، تأمین دستمزدهای مساوی برای کارمندان برای زنان، منع کار کودکان کاهش ساعات کار و افزای مرخصی سالیانه برای زنان.

- تأمین شرایط ایجاد و تحم همبستگی با کارگران و زحمتکشان جهان در مبارزه به خاطر صلح استقلال ملی، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی.

چنین است خواست‌های م صنفی و سیاسی کارگران زحمتکشان در مرحله کنونی مبارزه که می‌تواند در شکل و توج زحمتکشان نقش مهمی ایفا کند. تجربه انقلابی بهمن ۵۷ نشان که مبارزه نیروهای انقلابی و درجه اول مبارزه متحد کارگران زحمتکشان قادر است هرگونه راه در راه حرکت جامعه به پیش، هم شکنند. اینک که انقلاب مرحله سیاسی متوقف گردیده تداوم آن به خاطر نوسا اقتصادی و اجتماعی جامعه پیش هر زمان به اتحاد نیاز دارد. گردهم‌آیی همه مبارزان استقلال و آزادی و عدالت اجتماع و صلح، آزادی و غیرمذهبی درجه متحد خلق، به مسئله حاد تبدیل گردیده است، چنین اتحای وثیقه‌ای است برای تأمین شرا تداوم انقلاب به نفع محروه جامعه.

● فرخنده یاد جشن اول ماه مه روز همبستگی بین‌المللی کارگر

● مستحکم باد اتحاد کارگران و زحمتکشان ایران

● پیش به سوی جبهه متحد خا

کمیته مرکزی حزب توده ایران
اردیبهشت ۱۳۶۳

نگرانی مردم مرفی جهان از سرنوشت نامعلوم هزاران توده‌ای دربند

فرانسه

بنابه دعوت کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران، شعبه لوار آتلانتیک، روز ۲ مارس (۱۲ اسفند) جلسه‌ای با شرکت گروهی از سازمان‌های سیاسی و سندیکایی مرفی در نانت تشکیل شد. در این جلسه ضمن بررسی آخرین رویدادهای ایران و خبرهای جدید مربوط به وضعیت زندانیان سیاسی، قطعنامه‌ای به تصویب رسید. قطعنامه بر امر کسب اطلاع از سرنوشت نامعلوم هزاران زندانی توده‌ای و دمکرات تأکید ورزیده و به ویژه اشاره کرده است که پس از اجرای حکم اعدام درباره ده تن از افسران و اعضای حزب توده ایران این امر شکل حادثی به خود می‌گیرد.

سازمان‌های زیر در نانت، با امضای قطعنامه، به کارگرفتن کلیه امکانات خویش را در راه نجات جان این افراد، تعهد نموده‌اند:

- اتحادیه دانشجویان کمونیست
- حزب کمونیست فرانسه
- کنفدراسیون عمومی کار
- کمیته همبستگی با خلق‌های آفریقای جنوبی و نامیبیا
- دانشجویان مرفی لبنان
- سازمان اکسیون دمکراتیک و مردمی مراکش
- حزب سوسیالیست
- جنبش ضد تبعیض نژادی و برای دوستی میان خلق‌ها
- حزب مرفی و سوسیالیسم مراکش
- اتحادیه دانشجویان عراقی
- جوانان کارگر مسیحی
- سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران.

● اتحادیه دانشجویان کمونیست نهر سن اتین، مراتب تأثر و گراتی خود را نسبت به سرنوشت اعضای حزب توده ایران و سایر یروهای مرفی دربند ابراز نموده، بو خلقان و سرکوب هواداران استین انقلاب را در میهن ما

محکوم کرده است.

اتحادیه، هم‌چنین آزادی فوری و بلاقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی ضد امپریالیست را خواستار شده است.

● طبق خبر مندرج در شماره ۱۷

مارس (۱۷ اسفند) روزنامه اومانیته، ازگان حزب کمونیست فرانسه، رونه پیکه، سرپرست هیأت نمایندگان کمونیست و منفرد فرانسه در پارلمان اروپا، طی نامه‌ای خطاب به کلود شسون،

وزیر امور خارجه این کشور، تأسف و تأثر خود را در مورد احکام صادره از دادگاه‌های نظامی ایران علیه دگراندیشان ابراز داشته است. به عقیده وی این احکام، اعلامیه بقیه در صفحه ۱۰

"اتحادیه جهانی برای حقوق و آزادی خلق‌ها" همراه با سایر نیروهای مرفی ایتالیا شکنجه و کشتار زندانیان مرفی ایران را محکوم می‌کند

به دنبال این نشست، صبح روز جمعه، سیزدهم آوریل (۲۴ فروردین)، جمعی از هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در ایتالیا، به همراه دیگر نیروهای خارجی و هیأت نمایندگی اتحادیه جهانی برای حقوق و آزادی خلق‌ها، در مقابل ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی در میلان اجتماع کردند. تظاهرکنندگان با پخش اعلامیه در میان مردم و دادن شعار، آزادی کلیه زندانیان سیاسی مرفی، از جمله اعضای حزب توده ایران را خواستار گردیدند. آنان همچنین خواستند تا محاکمات در دادگاه‌های عادی و با شرکت ناظران بین‌المللی انجام گیرد و جنگ ایران و عراق هرچه زودتر پایان پذیرد.

هیاتی مرکب از نمایندگان حزب کمونیست ایتالیا، حزب سوسیالیست و "اتحادیه جهانی برای حقوق و آزادی خلق‌ها"، خواهان ملاقات با سرکنسول جمهوری اسلامی و تحویل قطعنامه مصوبه نشست یازده آوریل اتحادیه گردید، لکن وی از پذیرش این هیأت سر باز زد. متن قطعنامه در مقابل ساختمان کنسولگری، برای تظاهرکنندگان خوانده شد و مورد تأیید آنان قرار گرفت. اجتماع کنندگان با دادن شعار مرگ بر آمریکا، متفرق شدند.

بیر تحول انقلاب و چرخش به راست حاکمیت جمهوری اسلامی و جنگ با عراق، به بررسی علل سرکوب حزب توده ایران و سایر نیروهای هوادار انقلاب در میهن ما پرداختند. در پایان جلسه، قطعنامه‌ای که از طرف اتحادیه تهیه شده بود، خوانده شد و مورد تأیید کامل حاضران قرار گرفت. در این قطعنامه، اعمال زوش‌های

در تاریخ ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین) جلسه بحثی از طرف اتحادیه جهانی برای حقوق و آزادی خلق‌ها در میلان برگزار شد. در این جلسه نمایندگان سازمان‌های مرفی ایتالیایی و خارجی، از جمله حزب کمونیست ایتالیا، حزب کمونیست و سازمان جوانان کمونیست یونان، حزب کمونیست عراق،



ضد انسانی حاکمیت جمهوری اسلامی در قبال نیروهای مرفی ایران و پایمال کردن حقوق زندانیان و شکنجه و کشتار آنان به شدت محکوم شد. علاوه بر سازمان‌های نام‌برده، سه سندیکای سراسری کارگران ایتالیا (چی‌جی‌ال، چیپزل و ویل) و انجمن فرهنگی ایتالیا در میلان نیز، قطعنامه را امضاء کردند.

حزب کمونیست اوروکوه، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست شیلی، سازمان حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در ایتالیا شرکت داشتند. ریاست جلسه را پیرو باسو، رئیس "اتحادیه جهانی برای حقوق و آزادی خلق‌ها" برعهده داشت. سخنرانان، ضمن تحلیل رویدادهای اخیر ایران،

با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مرفی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

ندامت نامه سرگشاده حاکمیت ج.ا. به پیشگاه "شیطان بزرگ"

بقیه از صفحه ۱

عراق از سلاح‌های شیمیایی (که مورد حمایت امپریالیسم جهانی قرار گرفته است) به خیال خود توانسته اند شکست‌های نظامی سنگین اخیر و تقویت حضور نظامی ایالات متحده در منطقه را به فراموشی سپارند و بر زمینه مناسبات بهیود یافته با امپریالیسم آمریکا، بندوبست‌های تسلیم طلبانه با ایالات متحده را ادامه دهند.

به دلایل بسیار این مصاحبه را باید ندامت‌نامه سرگشاده حاکمیت جمهوری اسلامی به پیشگاه امپریالیسم جهانی دانست. ندامت‌نامه استغاثه آمیزی که طی آن سران جمهوری اسلامی با صراحتی بی‌سابقه انتظارات خویش را از "شیطان بزرگ" - در ازای بهای سنگینی که پرداخته‌اند - بیان می‌دارند.

آقای رفسنجانی این مصاحبه را با قدردانی از وزارت خارجه و رسانه‌های جمعی آمریکایی به خاطر رهبری و اعمال پشتیبانی سیاسی و تبلیغاتی از جمهوری اسلامی در برابر استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی آغاز می‌کند:

"در روزهای اخیر در قضیه کاربرد بمب‌های شیمیایی می‌بینیم که آمریکایی‌ها در اعلام این مسئله جلو افتاده‌اند. وزارت خارجه آمریکا حرکت نسبتاً خوبی کرده است و بعد هم رسانه‌های جمعی ادامه دادند و برای اولین بار ما می‌بینیم که رسانه‌های آمریکا یک مقدار کمی واقعیت‌ها را دارند می‌گویند" (جمهوری اسلامی - ۱۹ فروردین ۶۲).

و در ادامه سخن با اعلام آنکه: "ما هیچ‌وقت تصمیم بستن تنگه هرمز را نداشتیم و همیشه هم مایل بودیم چنین چیزی پیش نیاید... و بسیار هم بعید می‌دانیم که چنین وضعی پیش بیاید" تلاش می‌کند جو تفاهم آمیزی برای پرداختن به اصل قضیه فراهم آورد. خبرنگار با این سؤال که "در حال حاضر نظر جمهوری اسلامی ایران در مورد آمریکا چیست؟" فرصت لازم را به آقای رفسنجانی می‌دهد تا او مضمون اساسی ندامت‌نامه را با صراحت کافی بیان دارد:

پس از اشغال سفارت

آمریکا "آمریکایی‌ها به جای اینکه بهوش بیایند و متوجه بشوند که اشتباه کرده‌اند و باید با این انقلاب برخورد بهتری داشته باشند، با خشونت برخورد کردند." "ما برای اینکه این تشنج‌ها (در روابط فی‌مابین آمریکا و جمهوری اسلامی) را کم بکنیم پذیرفتیم در دادگاه مرضی‌الطرفین مسایلمان را با آمریکایی‌ها حل بکنیم" (باید اضافه کرد: از جمله بیش از یک میلیارد دلار به انحصارات آمریکایی غرامت پرداختیم).

اما "ماهیت استعماری و استکباری و زورگویی آمریکا و توسعه طلبی که دارد یک مقدار کار را مشکل کرده است" (۲۱) "اگر بنا باشد چیزی بهتر شود آن کسی که سال‌ها بد کرده است باید لااقل یک مدتی خوب بکند تا بتواند اعتماد را جلب کند." (همانجا)

نمونه‌های مشخصی که آقای رییس مجلس در مورد "خوبی‌هایی" که آمریکا می‌تواند در حق جمهوری اسلامی انجام دهد تا "کار" را آسان کند، با اندک لفافه پیچی که در کلام همه دلان معاملات نامشروع می‌توان سراغ کرد بیان شده‌اند.

۱- آمریکا از ابتدا در جنگ ایران و عراق از عراق پشتیبانی کرده است، اینک باید به یاری جمهوری اسلامی برخیزد.

۲- آمریکا "لباس‌های نظامی" و "قطعاتی" که رژیم قبل خریده و پولش هم پرداخته شده است به ما تحویل نمی‌دهد. باید در این تصمیم تجدیدنظر کند.

ظاهراً روشن نیست که منظور از "قطعات" چیست، اما مردم ما که هنوز نماز جمعه معروف آقای رفسنجانی در مدح هواپیماها و زیردریایی‌ها و موشک‌های آمریکایی را که به قول ایشان "از نان شب هم برای مردم ما لازم‌ترند" (اطلاعات - ۲۴ دی ۶۲) به یاد دارند. معنای این "رمز" را خوب درک می‌کنند.

۲- آمریکایی‌ها "اگر جایی باخبر بشوند که کشورهایی چیزی می‌خواهند به ما بفروشند که با ارزش باشد فشار می‌آورند و جلوی فروش آن را می‌گیرند. آمریکایی‌ها

ایتالیا فشار آورده است که ملی‌کوپترهایی را که ما پولش را داده‌ایم و چندتا از آن‌ها را هم تحویل گرفته‌ایم مانع شدند بقیه آن را بگیریم."

بنابراین ایالات متحده باید به هم‌پیمانانش (نه تنها ایتالیا بلکه انگلستان، آلمان فدرال، اسرائیل، کره جنوبی...) اجازه بدهد که سیل سلاح‌های استراتژیک را به جمهوری اسلامی سرازیر کنند.

۴- در خلیج فارس، در اقیانوس هند همین الان آمریکایی‌ها مکرر ما را تهدید می‌کنند. ظاهراً سخن بر سر استقرار ناوگان تجاوزگر ایالات متحده در مرزهای آبی میهن ماست. اما چنان که روشن است آقای رفسنجانی به نفس اشغال نظامی خلیج فارس اعتراضی ندارد. تنها کافی است که ایشان را "تهدید" نکنند. در عرف سیاسی این سخن جز به معنای پذیرش دوفاکتوی منافع نظامی استراتژیک امپریالیسم در منطقه نیست.

چرخش در سیاست غرب یا کزنش خاصانه‌تر در برابر امپریالیسم؟

ندامت‌نامه رییس مجلس جمهوری اسلامی حاری نکته تازه‌ای نیست. انتظاراتی که در این مصاحبه جمع‌بندی شده است، در ماه‌های گذشته به صورت پراکنده و کم و بیش در لفافه پرخاشگری‌های عوام‌فریبانه به اطلاع طراحان سیاست امپریالیسم رسیده است.

مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی مدتهاست که جو انتظار نسبت به صدور عنایات قریب‌الوقوع ایالات متحده نسبت به جمهوری اسلامی را پرورش می‌دهند. پیش از این سرمقاله نویس روزنامه کیهان نوشته بود:

"رضایت دادن غرب به منطقه‌ای بدون صدام مناسب‌ترین راه حلی است که می‌تواند به جای اتخاذ شیوه‌های حفظ رژیم عراق انتخاب گردد... اکنون نوبت جامعه غرب است که تصمیم بگیرد" (کیهان - ۴ اسفند ۶۲).

اینک سرمقاله نویس روزنامه جمهوری اسلامی گامی پیش‌تر

گذارده و از "چرخش در سیاست غرب" به سود جمهوری اسلامی سخن می‌گوید. مدافعان سیاست تسلیم در برابر امپریالیسم، حمایت سیاسی و تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا از جمهوری اسلامی در مسئله کاربرد سلاح‌های شیمیایی را دلیل لازم و کافی برای این چرخش می‌دانند. روزنامه جمهوری اسلامی با اشتیاق خاصی خواستار تجدید نظر کلی در سیاست امپریالیسم آمریکاست:

"آیا مقامات واشنگتن قادرند به حقایق ملموس و محسوس منطقه در رابطه با انقلاب اسلامی پی‌ببرند و ظرافت‌های آن را درک کنند؟ آیا ضربات کاری بر پیکر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا به اندازه کافی برای واشنگتن هشدار دهنده بوده است که آن را به یک تجدید نظر کلی وادار کند" (جمهوری اسلامی - ۲۸ فروردین ۶۲).

اما واقعیات انکار ناپذیر حاکی از آنند که ایالات متحده همچنان سیاست مزورانه تشویق و دوطرف درگیری به ادامه جنگ فرسایشی را برای تأمین منافع استراتژیک خویش در منطقه دنبال می‌کند. دل‌جویی و حمایت سیاسی تبلیغاتی آمریکا از جمهوری اسلامی به معنای آن نیست که ایالات متحده از تلاش همه‌جانبه برای تحکیم مواضع اقتصادی و نظامی عراق دست برداشته است. همکاری فعال آمریکا در ساختمان خط لوله نفتی جدید عراق - ترکیه و نیز خط لوله عراق - عربستان سعودی که می‌بایست تا پایان سال ۸۴ صادرات نفتی عراق را چند برابر کند، تکنکهای اقتصادی رژیم عراق را - در ادامه جنگ - برطرف کند، گواه باز این واقعیت است.

روزنامه انگلیسی‌گاردین با بررسی سیاست رسمی و اعلام شده ایالات متحده و نیز نظریات والت ماندیل، نامزد حزب دمکرات برای انتخابات آینده ریاست جمهوری به این جمع‌بندی می‌رسد که سیاست کنونی امپریالیسم آمریکا، بازتاب مفاخر استراتژیک غرب در منطقه است. "آمریکا مایل است بن‌بسد نظامی ادامه پیدا کند" (گاردین ۲۵ فوریه ۸۴). بقیه در صفحه ۱

باردیگر، یک جنایت هولناک! رفیق محسن علوی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران زیر شکنجه به شهادت رسید

بقیه از صفحه ۱

ماه، از ساعت ۱ تا ۲ بعد از ظهر در مسجد ولی عصر (عج) واقع در خیابان آذربایجان (حشمت الدوله غربی) منعقد خواهد بود.

این آگهی چند سطرگی که از "درگذشت جانسوز" انسانی شریف و دانشمند حکایت می کند به نوبه خود، خبری تأسفا آور و اندوه زااست. ولی وقتی این استاد بزرگ، عنوان عضویت در کمیته مرکزی حزب توده ایران را نیز با خود داشته باشد و از یک سال و اندی پیش در سیاه چال های مخفوف جمهوری اسلامی در بند بوده باشد، آن گاه خبری فاجعه بار و لرزاننده است که از عمق دهشتناک جنایاتی که دست پروردگان سیا و ساواک در شکنجه گاه های حکومتی مرتکب می شوند، پرده برمی دارد.

رفیق شهید محسن علوی در اولین یورش گزندگان با نام و بی نام جمهوری اسلامی به حزب توده ایران به اسارت درآمد و مستقیماً به اطاق های تمشیت کمیته مشترک منتقل شد تا مورد "عظوفت اسلامی" قرار گیرد و در "پناه" چار دیواری تاریک این و آن سلول انفرادی و تحمل عذاب های جانسوز "تعزیر" و "تقتیل اسلامی" به "درستی" راه خیانت بار رهبران جمهوری اسلامی بی برد!

رفیق محسن علوی، یکی از اعضای قدیمی حزب توده ایران بود. او در نخستین سال های پس از بنیان گذاری حزب، به صفوف مدافعان راستین محرومان و زحمتکش پیوست و در انجام وظایف دشوار و انقلابی خود، مسئولیت های گوناگونی را به عهده گرفت. وی پس از بهمن ۱۳۳۷ و غیرقانونی اعلام شدن حزب، عضو کمیته ایالتی تهران بود و با همین سمت در سال های پس از کودتای امپریالیستی ۱۳۳۲ دستگیر و به زندان افتاد. در همین اوان، در اثر شکنجه های حیوانی و کشنده عمال ساواک، یک دستش برای همیشه فلج شد!

شکنجه گران جمهوری اسلامی در آخرین ماه های سال ۶۲، کار ناتمام

جلادان ساواک را به پایان بردند و پیکر فرسوده و رنج کشیده او را در هم کوفتند و برهستی پربارش، نقطه پایان نهادند.

رفیق علوی نیز چون رفیق حسن حسین پور تبریزی که هم زمان با او به بند کشیده شد و خبیر "درگذشت جانسوز" ناگهان در صفحه آگهی های مجالس ترحیم کیهان به چاپ رسید، زیر شکنجه های طاقت فرسای روحی و جسمی، مدرن و قرون وسطایی جلادان رژیم به شهادت رسید. او قربانی توحش کور و سببیت عنان گسیخته رهبرانی است که جز مرگ و نیستی، رسالت دیگری برای خود نمی شناسند و در برابر هیچ مرجع و دادگاهی خود را مسئول نمی دانند. آنان به هیچ پرسش به حقی، پاسخ نمی گویند و به هیچ ضابطه و معیار انسانی ای واقعی نمی نهند.

با این حال، مردم داغ دیده و مصیبت کشیده ما، به درستی مسؤلین مستقیم این جنایات دیوانه سرانه را باز شناخته اند و از آنان در مورد فرزندان خود می پرسند؛ چگونه انسانی که در بهمن ۶۱، توسط شکنجه گران شما ربوده شده، ناگهان در آگهی مجالس ترحیم و در صفحه مرگ حضور می یابد؟ آیا سرنوشت او نیز، چون بسیاری دیگر که "نیست" شده یا "خودکشی" کرده اند، به دست دژخیمان شما نوشته شده؟!

پاسخ هرچه باشد، خلق داوری نهایی خود را خواهد داشت. او یک بارو برای همیشه حکم محکومیت جباران و جنایتکارانی را که دیرپایی هستی چند روزه خود را در نیستی فیزیکی مدافعان مردم می بینند، صادر کرده است و دیرپا زود آن را به مرحله اجرا در خواهد آورد.

بدرود رفیق علوی! یاد تو همه مبارزانی که در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع سیاه حاکم بر کشور ما جان باخته اند، آن سرمایه پایان ناپذیری است که به پیکار ما علیه ستم و بیداد شدت می بخشد. بدرود!

آخرین دیدار باسرباز خلق



رفیق سرهنگ حسن آذرفر

سرباز خلق نه "عروج خونین" کرد و نه "به لقاء الله" پیوست. او به سادگی تیرباران شد. در سحرگاه ششم اسفند در میدان جنگ به خاک افتاد. در کارزار خونینی که خلق و دشمنان بربرخشش رود روی یکدیگر ایستاده بودند، در میدانی که سوگوارترین خاک ایران را دارد، "اوین" سرباز، خون گرم خود را با بخشندگی و گشاده دستی - تا آخرین قطره - به خاک نوشاند:

جان بگیر ای خاک شمرده
مظلوم. ارتش خونخواهان از سینه
تو خواهد جوشید.

یک هفته پیش از آخرین رزم سرباز، خانواده او به دیدارش رفتند. پس از دو ماه دوری، سرباز خلق با سر پرشور و نگاه شررخیز پشت شیشه ایستاده بود. بی سردوشی و مدال. پس قبه هایت کوسرهنگ؟ او اینک سرباز ساده ای است. چون دریای مهران کاوه آهنگر، او دیگر نمی خواست سرهنگ ارتش جنگ افروزان و بیدادگران باشد. سرهنگ لب گشود. با آوایی که به دهان هیچ نیاز نداشت. "قیافه مرا به جا نیاوردی؟ من همسرتو ام. حسن آذرفر. اگر باریک شوی روحم را خواهی شناخت و قلبم را که عاشقانه دوستت می داشت. قلبی که می تواند از فرط عشق بپیرد. و بازوانی که می تواند یک توده را به تمامی، در آغوش بگیرند. همسرم، فراموش مکن که من سرباز خلق بوده ام، و بدان که یاهایم شکست اما به راه ستمگران نرفت، و به زودی سرم خواهد افتاد تا در برابر دژخیمان خم نشود. دیدی سرباز خلق را؟ پس تو هم زن یک سرباز باش". زن قد راست کرد. پیامی نمانده بود.

سرباز گوشی تلفن را در دست فشرد و گرمی جانش را در آن ریخت؛ "پسرم، سرفراز باش. لبخند بزن جوان! برو به دو برادرت و همه برادرهایت در این دیار بگو؛ پدرم مرکز سرهنگ مظلوم کشان نخواهد بود. او سرباز

ساده خلق است. به آنها بگو: من هیچ فرماندهی نداشته ام، جز خلق محروم ایران. و از توده فرمان برده ام تا پای جان. به قاتلانم بگو: ما را تک تک شکار کردید، اما بدانید ما فوج فوج برمی گردیم. به گرسنگان میهنم بگو: پایان رنج نزدیک است که من در ارتش دروگران و نابوایان ثبت نام کرده ام. به زاغه نشینان بگو: پایان بی خانمانی نزدیک است که من در سپاه کوره پزان و بنایان اسم نوشته ام. و بگو که توده نه می بخشد و نه از یاد می برد."

ما فراموش نخواهیم کرد، سرباز، نه پیام تو را - بگذار قاتلان بپلرزند - و نه خون تو را.

بدان سرباز که ما خواهیم شکاند
آن دستی که تو را به سیاه چال کشاند
و دستی که در پای کارنامه تو امضا نشاند
و دستی که ماشه را چکاند.

بدانید ای جلادان که ما هرگز فراموش نمی کنیم حتی یک قطره خون را، چنانکه هرگز از یاد نبرده ایم یک چکه اشک و عرق را، و بپلرزید هر زمانی که شنیدید این نام را؛ توده، و دور نیست آن زمان.

چهل سال از تأسیس شورای متحده مرکزی گذشت

۴۰ سال پیش در ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۱۳ روز جهانی کارگر، "شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران" به عنوان تشکل صنفی سراسری کارگران و زحمتکشان تشکیل شد. تأسیس شورای متحده مرکزی، در واقع نقطه عطفی در جنبش کارگری و مجموعه جنبش دمکراتیک و ملی ایران و حاصل مبارزات ۴۰ ساله طبقه کارگر ایران بود. جمع بست تجارب مبارزات سندیکایی و اتحادیه های کارگران ایران و نیز بهره گیری از تجارب جهانی طبقه کارگر سبب شد طبقه کارگر ایران بتواند در مدتی کوتاه، پس از سرنگونی رژیم رضاخان، یعنی در فاصله سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲، کام های عظیمی به پیش بردارد.

این پیروزی بزرگ پیش از هر چیز از انجام وظیفه حزب توده ایران در قبال طبقه کارگر ایران ناشی می شد. حزب توده ایران، همواره و از همان بدو تأسیس خود یاری به گسترش تشکل های صنفی زحمتکشان ایران را مهم ترین وظیفه خود شمرده است.

طی دهه های اولیه قرن اخیر، سندیکاها و اتحادیه های کارگران، به تدریج شکل گرفتند و برای کسب حقوق صنفی و سیاسی کارگران به مبارزه پرداختند. در زمان حکومت رضاخان بارها تشکل های کارگری مورد هجوم نیروهای انتظامی قرار گرفتند و فعالین آنها، تحت شدیدترین پیگردها بودند. پس از سرنگونی رژیم رضاخان تشکل های صنفی کارگران با تجارب مبارزاتی دوران طولانی سرکوب و پیگرد پلیسی رضاخانی کار علنی خود را تجدید سازمان دادند و تشدید کردند. در سال ۱۳۲۱ از اتحاد تعدادی از سندیکاها و اتحادیه های کارگری، "شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران" با ۲۰ هزار عضو یا به عرصه وجود نهاد.

هجوم ارتجاع برای سرکوب جنبش کارگری، کارگران مبارز ایران را به فکر واداشت تا با



یکی از تظاهرات اول ماه مه قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۲۲

متحد کردن تشکل های صنفی خود، برای مقابله با نیروهای ارتجاعی نیروی واحدی را سازمان دهند. در ۱۱ اردیبهشت ماه (اول ماه مه) سال ۱۳۲۲، "اتحادیه مرکزی کارگران"، "اتحادیه کارگران و بزرگران"، "اتحادیه کارگران راه آهن" و چند اتحادیه کارگری دیگر به هم پیوستند و بدین ترتیب "شورای متحده اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران" را تشکیل دادند.

شورای متحده از بدو تأسیس، ۵۰ هزار عضو داشت و به زودی توانست بیش از ۸۰۰ کارگران ایران را در صفوف خود متشکل کند. روزنامه "ظفر" به عنوان ارگان شورای متحده مرکزی انتشار یافت و نقش مهمی در بالا بردن آگاهی صنفی و سیاسی کارگران ایفا کرد. البته تشکل سراسری واقعی تنها دو سال بعد، یعنی پس از پایان جنگ بین المللی دوم و امکان تشکیل اتحادیه های کارگری علنی در خوزستان سازمان گرفت. در بهار ۱۳۲۵، در آستانه جشن اول ماه مه، کارگران نفت خوزستان تشکل اتحادیه خود را تحت عنوان سندیکای کارگران صنعت نفت خوزستان اعلام کردند و به شورای متحده مرکزی پیوستند. در روز جهانی کارگر سال ۱۳۲۵، نزدیک به

۷۰۰ هزار کارگر و زحمتکش در تظاهرات اول ماه مه شرکت کردند. بدینسان، پس از پنج سال مبارزه خونین که قربانی های بسیاری به جا گذاشت، اتحادیه های کارگری در سراسر کشور سازمان یافت. برای نخستین بار در سراسر ایران هیچ کارگاه و کارخانه مهمی نبود که کارگزارش متشکل نباشد، همه اتحادیه های هم یگانه مرکز سندیکایی کشور، یعنی شورای متحده مرکزی پیوسته بودند.

بزرگترین تشکل سندیکایی در ایران و خاورمیانه

شورای متحده مرکزی، به عنوان تشکل عظیم سراسری کارگران، نه تنها در ایران، بلکه در مقیاس خاورمیانه بی نظیر بود. شورای متحده مرکزی در سال ۱۳۲۵ مورد شناسایی سازمان جهانی کارگران، یعنی "فدراسیون سندیکاهای جهانی" قرار گرفت و به عنوان یگانه مرکز سندیکایی اصیل در ایران به عضویت آن درآمد و در هیأت ریسه آن عضو داشت. در داخل کشور نیز کلیه احزاب معتبر سیاسی، حزب توده ایران، حزب ایران، حزب سوسیالیست ایران، حزب جنگل و فرقه دمکرات آذربایجان، شورای متحده مرکزی

را به عنوان یگانه مرکز سندیکایی کارگران و زحمتکشان ایران به رسمیت شناختند. دولت و وزارت کار (که ایجاد خود این وزارت خانه، محصول رشد جنبش سندیکایی کارگران بود) به شناسایی نقش شورای متحده مرکزی ناگزیر شدند و از این رو نمایندگی در شورای عالی کار را حق مسلم شورای متحده مرکزی شناختند.

دستاوردهای شورای متحده مرکزی

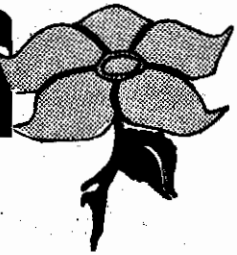
شورای متحده مرکزی با رهبری آگاهانه و انقلابی نیروی متحد و یکپارچه طبقه کارگر موفق شد، در مدت کوتاه فعالیت علنی خود، دست آوردهای عظیم و تاریخی برای طبقه کارگر ایران کسب کند.

دشمنان کارگران و زحمتکشان، همواره کوشیده اند این دستاوردها را که در واقع دست آورد جنبش متحد کارگران و زحمتکشان ایران است نفی کنند. آنان این دست آوردها را "عطیه ملوکانه" می نامند که گویا به کارگران "اهداء" شده است. امروز نیز همه کسانی که تحت عنوان طرفداری از کارگران و زحمتکشان این دست آوردها را نادیده می گیرند، خواسته یا ناخواسته، به دشمنان طبقه کارگر خدمت می کنند.

از جمله دست آوردهای شورای متحده مرکزی به تصویب رساندن لایحه ای است که در سال ۱۳۲۲ به مجلس داد. از این لایحه، ۸ ساعت کار در روز، دو هفته مرخصی سالیانه با استفاده از حقوق، ۶ هفته مرخصی برای زنان کارگر بازدار، منع استفاده از کار کودکان کمتر از ۱۲ سال و تأمین بیمه های اجتماعی پیش بینی شده بود. با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی - اقتصادی ۴۰ سال پیش، به سادگی می توان اهمیت رسمیت یافتن این حقوق را دریافت.

قدوین اولین قانون کار

روز ۵ مرداد ۱۳۲۲، روزنامه ظفر، ارگان شورای متحده مرکزی بقیه در صفحه ۲۴



دوباره منتشر می شود!

واقعیت عمل و راهی که رهبران جمهوری اسلامی در خدمت به امپریالیسم برگزیده اند نیز چنین حقیقت شومی را گواهی می دهد.

برشمردن گام هایی که رهبران جمهوری اسلامی برای به هلاکت رساندن انقلاب، به فرمان و پسند امپریالیسم برداشتند (توطئه ای که با ساکت کردن ندای روشنگرانه نیروهای مترقی آغاز و به نیت محو فیزیکی و "ریشه کن کردن" آنان از صحنه مبارزاتی مردم ایران پی گرفته شد.) بازگو کردن واقعیاتی است که زحمتکشان هر روزه با تجربه شخصی خود به آن دست می یابند. آنان از "برکت" سیاست های خائنانه جمهوری اسلامی، هر روز مصائب بیشتری را متحمل می شوند....

انتشار مجدد "کار" در شرایط پرخفقان و ترور کنونی جامعه ما، تنها به معنای ظهور نشریه ای انقلابی و پربار در بازار مکاره ورق پاره های مجاز و بی محتوای داخلی نیست. تنها به معنای نشر اندیشه های انقلابی، روشنگر و آگاهی دهنده نیز نیست. انتشار مجدد "کار" تنها از این دیدگاه که به مثابه ابزار معنوی زحمتکشان عمل می کند و به آنان در تحلیل رویدادهای مشخص، در شرایط مشخص یاری می رساند، ارزشمند نیست. افزون بر تمامی این جنبه ها، انتشار مجدد "کار" نمایانگر تسلط تشکیلاتی و انضباط محکم سازمانی است که به سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) امکان می دهد، بر همه دشواری ها و تکنها و محدودیت های ناشی از شرایط ترور و اختناق و کار مخفی غلبه یابد و با فرا رسیدن هر ماه نو، به سلام محرومان و زحمتکشان بشتابد.

ما انتشار مجدد "کار" را به همه کارگران، مردم قهرمان ایران و فداییان خلق، به ویژه رفقای تحریریه و کادر فنی "کار" که با کار شبانه روزی و پرمخاطره خود، انتشار ارگان کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را تدارک می بینند، تبریک می گوئیم و موفقیت بیش از پیش آنان را آرزو داریم.

امپریالیستی سرکوب خونین حزب توده ایران و تدارک همه سویه برای یورش به رهبری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، تعیین کننده بود) بر خائنانه بودن این اهداف و دلایل تأکید دارد، بلکه

افشاکری ها، اعلامیه ها و هشدارهای حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) که به ویژه پس از چرخش به راست تمام عیار حاکمیت و اجرای توطئه

فراخوان شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران فعالیت خود را، پس از وقفه ای یک سال و نیمه از سر می گیرد. در فراخوانی که از سوی هیأت اجراییه شورا به "راه توده" رسیده از "یاران و همکاران و هواداران" این شورا دعوت شده است تا در امر "دفاع از آزادی اندیشه و بیان و حقوق دمکراتیک" و "دفاع متشکل از اعضای دربند آن" شورا را یاری دهند. متن فراخوان به این شرح است:

محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین) و نیمی از هیأت اجراییه آن در زندان و تحت شرایط هولناک بسر می برند. همچنین ده ها نویسنده و هنرمند عضو شورا نیز یا زندانی و آواره اند و یا آسرنوشت شان خیری در دست نیست.

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران در خارج از کشور که همچنان دفاع از انقلاب مردم ایران و دفاع از آزادی اندیشه و بیان و حقوق دمکراتیک را هدف اصلی خود می شمارد، بدین وسیله با اعلام از سرگیری فعالیت خود از شما یاران و همکاران و هواداران گرامی انتظار دارد تا ضمن پیوستن به آن، شورا را در راه رسیدن به آرمان های خود - که دفاع متشکل از اعضای دربند آن هم اکنون در سرلوحه این اهداف است - یاری رسانید.

از سوی هیأت اجراییه شورای نویسندگان و هنرمندان ایران
سیاوش کسرائی - فریدون
تنگابنی - شهاب موسوی زاده
آدرس موقت شورا:

PLK Nr: 0044720 B
4000 Düsseldorf 1

"یاران، همکاران، نویسندگان و هنرمندان ایرانی داخل و خارج از کشور"

"شورای نویسندگان و هنرمندان ایران" به برکت انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی مردم ایران و با هدف دفاع از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، دفاع از آزادی اندیشه و بیان و پیشبرد هنر و ادب مردمی و خلق های ایران در اردیبهشت ۱۳۵۸ به همت گروه کثیری از نویسندگان و هنرمندان متعهد به انقلاب تأسیس شد. شورا که از سرچشمه لایزال عشق به مردم و میهن نیرو می گرفت در مدت کوتاهی توانست ده ها نویسنده و هنرمند میهن دوست و متعهد را به مثابه عضو هوادار گرد آورد و در طول مدت کوتاه فعالیت خود به همت آنان دست آوردهای ارزشمندی از هنر و ادب انقلاب را به ایران تقدیم کند.

با آغاز حلات وحشیانه امپریالیسم و ارتجاع به انقلاب ایران، دستگیری و بازداشت اعضا و هواداران شورای نویسندگان و هنرمندان ایران نیز آغاز شد. چنانکه هم اکنون دبیر شورای نویسندگان و هنرمندان ایران،

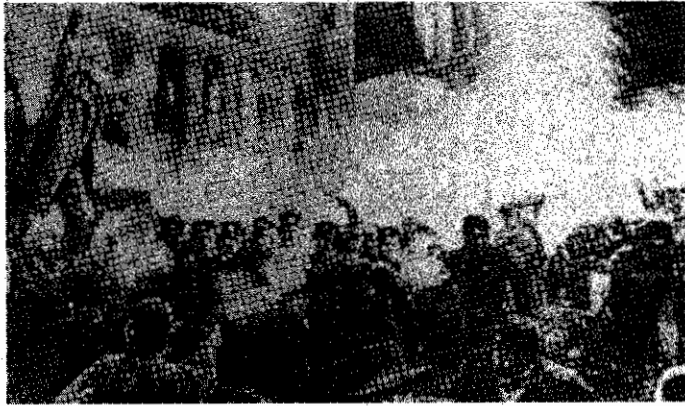
"کار"، ارگان کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، پس از وقفه ناگزیر دوساله، دوباره منتشر می شود.

"کار" در نیمه اسفند سال ۶۰، به حکم خودسرانه دادستان انقلاب اسلامی مرکز و به دلایلی بی پایه، مغایر نص صریح قانون اساسی و در مخالفت مطلق با مصالح انقلاب و منافع زحمتکشان توقیف شد. پیش از آن "نامه مردم" ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران، این ندای حق طلب، عدالت جو و استقلال خواه مردم محروم ما در محاق توقیف درافتکنده شده بود. "دلایل" توقیف "نامه مردم" و "کار" آنچه که مأمورین امپریالیسم و ضابطین کمیته ها، به طور کلی بیان کردند نبود، بلکه آنهاهی بود که هیچ یک از پلراحان و رهبران و مجریان توطئه خزنده امپریالیستی علیه انقلاب جرأت بازگویی شان را نداشتند.

جستجوی این دلایل برای هرکس که تنها یک شماره از "کار" یا "نامه مردم" را خوانده باشد، سان است. وظیفه تخطی ناپذیری که این دو ارگان در برابر خود نهاده بودند و بی گیرانه و بی امان، دور از جنجال های مفتضح پلیگانی و درافتادن در ورطه ناتنازها دنبال می کردند بارت بود از: دفاع از آماج های ملی و مردمی انقلاب، حفظ و گسترش دست آوردهای آن، پای شردن در احقاق حقوق محرومان و زحمتکشان و برآوردن خواست ها و نیازهای آنان، افشای جورانه و طغنه های امپریالیسم برای شکستن مسخ انقلاب و بازنمایدن چهره وامل و مزدوران آن که به سادگی بر سیاهی ریش های انبوه پنهان رده و هست....

به این ترتیب، ناگفته پیداست، رقیف این دو ارگان دستیابی به چه هدفی را بی می گرفت و از رچشمه مسموم چه "دلایلی" آب خورد! اکنون دیگر نه تنها مقالات،

تاریخچه اول ماه مه در ایران و جهان



اول ماه مه سال ۱۸۸۶ - شیکاگو

خون و سزود کارگران شیکاگو و رهبران آن در ۱۸۸۶ میلادی لباس اول ماه مه پوشید و برفراز مرزهای کشورهای جهان پیام آور جنایت سرمایه داری و ناپودی محقون آنان شد. سرودی که بر لبان رهبران کارگران اعتصابی شیکاگو دریای چوبه های دار جاری گشت بر دل های کارگران جهان نشست و آنان را به اتحاد و یگانگی و وحدت و تشکل که رموز راه مبارزه علیه سرمایه داران و استثمارگران است، فراخواند.

تاریخ این روز قهرمانی و ایثار، این روز یگانگی مبارزه و مبارزه برای یگانگی کارگران جهان چیست. چه روی داد که این روز به مثابه روز همبستگی و اتحاد بین المللی کارگران بدل شد. سیرو سرگذشت پر از فراز و نشیب برگزاری آن در ایران کدام است و چه پیامی به همراه دارد.

تاریخچه روز اول ماه مه

اول ماه مه سال ۱۸۸۶ برابر با ۱۱ اردیبهشت ۱۲۶۵، کارگران شیکاگو دست از کار می کشند. اعتراض آنان به ساعات نامحدود کار و تقلیل آن به ۸ ساعت در روز است. پیش از آنان کارگران ساختمانی استرالیا در سال ۱۸۵۹ در اثر مبارزات خویش توانسته بودند به خواست ۸ ساعت کار در روز نایل گردند و بدین خاطر روز ۲۱ آوریل هر سال را به نشانه پیروزی خود بر سرمایه داران جشن می گرفتند. کارگران آمریکای شمالی نیز از سال ۱۸۸۵ به بعد، نخستین دوشنبه ماه سپتامبر را دست از کار می کشیدند و به شادمانی می پرداختند. لیکن سپاه سرمایه، حرکت کارگران شیکاگو را تاب نیاورد.

روز اول ماه مه کارگران شیکاگو با اعلام اعتصاب دست به تظاهرات می زنند. آنان با پوشیدن لباس نو و به همراه زن و فرزندانشان خود به خیابان ها می ریزند و قدرت و اتحاد خود را به نمایش می گذارند و اعتراض خود را نسبت به ساعات نامحدود کار اعلام می دارند. طی چند روز تعداد اعتصاب کنندگان افزایش یافته از مرز ۸۰ هزار نفری

تاریخچه روز اول ماه مه در ایران

در سال ۱۲۹۹ یعنی ۶۴ پیش، برای اولین بار اول ماه مه در ایران تحت تأثیر انقلاب مشروطیت انقلاب سوسیالیستی اکتبر جشن گرفته شد. از آن سال به بعد کارگران کوشیده اند تا جشن اول ماه مه را هرچه با شکوه برگزار کنند، لیکن ارتجاع حاکم بر ایران مانع این خواست آنان گشته است. در سال ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ جشن اول ماه مه برگزار گردید. دستگاه نظمیته از زمان در ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۰۶ به کارگران حمله برد و حدود ۵۰۰ تن را بازداشت کرد. اما کارگران پای ننشستند. در سال ۱۳۰۸ به دو از چشم پلیس شاه، جشن با شکوه در اطراف تهران برگزار شد. سخنرانی هایی در خصوص تاریخچه این روز و مقام کارگر ایراد شد که با فریادهای تشویق و کف زدن ها کارگران همراه بود. بعدها اعضا فعال اداره کننده جشن از کا اخراج شدند.

پس از سقوط رضاخان مبارزات کارگران به درجه عالی تری ارتقا می یابد تأسیس حزب توده ایران حزب طراز نوین طبقه کارگر در این امر، تأثیر بسزایی دارد. اولین جشن بزرگ روز کارگر در سال ۱۳۲۴ به رهبری شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکش ایران به طور علنی و با شکوه فراوان برگزار می گردد. این جشن در سال بعد یعنی ۱۳۲۵ به نقطه اوج خود می رسد و به عرصه شرکت کثیری از کارگران و زحمتکش میهنمان بدل می گردد. تقریباً بیش از ۷۰۰ هزار نفر در این مراسم شرکت کردند. به عنوان مثال کارگران راه آهن ناحیه شمال تما، واکن ها را با گل و سبزه آراستد بودند و روستاییان، با ساز و دهل با جشن با صفای کارگران گرمی نشاط خاصی بخشیده بودند. این جشن تقریباً در تمام کشور برگزار شد. در قطعه نامه ای که در پایا مراسم تهران خوانده شد، اجراء قوری قانون کار و بیمه ها، اجتماعی، تهیه کار برای بقیه در صفحه

سراجم کارگران روسیه در پی مبارزات گسترده ای موفق می شوند نظامی را که به سوی قلب کارگران شلیک کرده بود و رهبران را به چوبه های دار آویخته بود در میهن خود به دار بیاویزند و لاشه متعفن آن را به گور تاریخ بسپارند.

اولین حکومت کارگری جهان

از پی انقلاب ظفرنمون اکتبر نظام جدیدی پا به عرصه کیتی می گذارد که حکومت کارگران است. مبارزه کارگران ابعاد وسیع تری می گیرد و به ایجاد نظام جهانی سوسیالیسم منجر می شود. ملل دریند امپریالیسم نیز راه رهایی از یوغ سلطه و استبداد امپریالیسم و نوکران آن را در پیش می گیرند و ضربات خردکننده ای بر پیکر منحنط و ذحال تلاشی آن وارد می سازند. کارگران همه جا پیشاپیش این مبارزات هستند.

از برگزاری اولین جشن روز کارگر، ۹۴ سال می گذرد. هر سال کارگران کشورهای سوسیالیستی این روز را به نشانه بسیج همه زحمتکشان در مبارزه در راه بنای سوسیالیسم و کمونیسم برگزار می کنند. کارگران کشورهای سرمایه داری نیز در این روز ناقوس مرگ سرمایه داری را پرتوان تر به صدا درمی آورند و اتحاد، یگانگی و نقش آفرینی خود را در تکامل تاریخ به نمایش می گذارند. کارگران ایران نیز همپا با کارگران سایر ملل این روز پرشکوه را جشن می گیرند.

گذرد. نیروهای پلیس برای مقابله با اعتصاب کنندگان به صفوف آنان یورش می برند و دزد اثر تیراندازی عده ای از آنان را کشته و بسیاری را زخمی می کنند. در پی این حادثه رهبران اعتصاب نیز دستگیر می شوند و به دادگاه های فرمایشی کشانده می شوند و حکم اعدام برای آنان که بالغ بر صدما نفر بودند صادر می گردد. آنان در ۱۱ نوامبر همان سال در حالی که سرود رزم و اتحاد می خواندند به دار آویخته می شوند.

اعدام این رهبران موجی از خشم و نفرت کارگران جهان را برمی انگیزد. انترناسیونال دوم در نخستین کنگره خود در سال ۱۸۸۹ به یاد خاطره تابناک شهدای این واقعه و تجلیل از قهرمانی های آنان، روز اول ماه مه را به عنوان روز بین المللی کارگران اعلام می دارد. سال بعد یعنی در ۱۸۹۰ این روز به عنوان روز نمایش قدرت کارگران و همبستگی و اتحاد آنان در بیشتر کشورهای سرمایه داری از جمله آمریکا، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، آلمان، انگلستان و کشورهای دیگر با تظاهرات وسیع کارگران این کشورها و با درخواست ۸ ساعت کار در روز، به طرزی پرشکوه برگزار می شود.

خونی که از کارگران شیکاگو بر زمین ریخته می شود کارگران را به وحدت و اتحاد می خواند. مبارزه کارگران متشکل تر و منسجم تر می شود. مبارزه آنان دیگر شکل مبارزه علیه ماسین را پشت سر گذاشته و نظام سرمایه داری را هدف قرار داده است تا آنکه

تاریخچه اول ماه مه در ایران و جهان

بقیه از صفحه ۸

رفیق شهید کارگر، حسن حسین پور تهریزی، یکی از رهبران جنبش سندیکایی ایران که به دست پلیس امپریالیسم و ارتجاع، زیر شکنجه های بربرمنشانه زندانبانان رژیم شهید شد، در عین حال شاعری از و برای طبقه خود بود. "اول ماه مه" یکی از اشعار بی شمار رفیق شهید ماست که در بهار سال ۱۳۲۸ سروده. "راه توده" این شعر پربار را که کلام زنده شهیدی از تبار رنج و کار است، در عید کارگران جهان، بدانان تقدیم می کند:

اول ماه مه

بپایید عهد پیشین را به یاد آریم
امید رفتگان را تازه گردانیم
در این فرخنده جشن ماه مه جام نخستین را
به یاد آن رفیق، یا آن شهید خلق ما نوشیم
که در این نوبهار ما
اگر بس سرخ گل، بس لاله خواهد رست
ز خون پاک ایشان مایه خواهد داشت

جهان بپیر ما یاران!
امید و آرزوهای جوان دارد
ولی افسوس،

که این جنگاور پیر و امید افروز ملت ما
نشد سالی که داغی را به داغ ما نیافزاید

جهان می خواهد این رسم کهن را ما براندازیم
"فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم"
بدین شهر ستم گستر بساط عدل و علم آریم
که "دست افشان غزل خوانیم و پاکوبان سراندازیم"

شما ای مهران با هر کلام اتحاد و هر سرود خوش
طلوع آفتاب آرزوها را،
به جان ما مژده می آید؛
رسد آن روزگار خوش که دنیا را جوان سازیم
درفش کاوه را با رأی و فتوای زمان خود
به دشت و کوه و دریاها بیافرازیم
رسد آن روزگار خوش
که فارغ از غم نان و ستم های توان فرسای امروزی
ز حاصل بخشی کار خود و عدلی زمان اقتدار خود
به رسم حافظ شیراز:
همیشه "گل پرافشانیم و می در ساغر اندازیم"
و یاد آن رفیقان را
که جان را جام فتح مردمان کردند
سرودی چاودان سازیم.

این گونه است و هیچ نیرویی نمی تواند مانع اتحاد، مبارزه و پیروزی آنان گردد. امسال نیز اگرچه حکومت جمهوری اسلامی ایران اکثر تشکلهای کارگری را مورد سرکوب قرار داده است و رهبران آن را بازداشت کرده است و حق آزادانه اجرای مراسم روز اول ماه مه را از کارگران گرفته است، لیکن کارگران ایران این روز را حتی در زندان ها با شعار مرگ بر امپریالیسم آمریکا و استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برگزار خواهند کرد.

تمام تر و به روز افشاء توطئه های امپریالیسم و ارتجاع بدل می سازند. لیکن امپریالیسم به یاری ارتجاع داخلی حمله خود را علیه جنبش کمونیستی و کارگری ایران سازمان می دهد و یورش به سازمان های انقلابی و کارگری از جمله حزب توده ایران را آغاز می کند و بسیاری از رهبران و اعضا و فعالین آن را به زندان می افکند و در زیر شدیدترین شکنجه های جسمی و روحی به شهادت می رساند.

اما تاریخ جنبش کارگری ایران و جهان پراز فراز و نشیب هایی از

کودتای ۲۸ مرداد تمام نیروی خود را علیه سرکوب میهن دوستان ایران و به ویژه سرکوب سازمان های کارگری و مترقی قرار می دهد. یار دیگر زندان ها از مبارزین راه آزادی زحمتکش و در رأس آن ها فعالین حزب توده ایران پر می گردد.

در سال های سیاه محمدرضای ملعون، کارگران ایران به مبارزه خود ادامه می دهند و زیر برق سرنیزه ها، جشن اول ماه مه را برگزار می کنند.

اولین جشن ماه مه

پس از پیروزی انقلاب

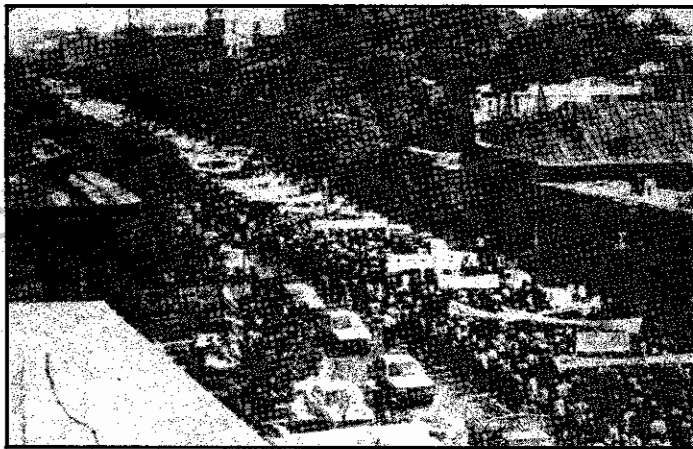
بزرگ ترین جشن اول ماه مه در تاریخ ایران، در سال ۱۳۵۸ برگزار می شود و در آن میلیون ها نفر با

بی کاران، تساوی دستمزد زنان و مردان، تصویب قوانین به نفع دهقانان، توجه به مسئله ملی در ایران و اصلاحات دمکراتیک در سراسر کشور گنجانده شده بود.

پیام دوستی کارگران ایران به کارگران جهان

در همین روز از سوی شورای متحده مرکزی تلگرافی به اتحادیه سندیکای جهانی ارسال می شود که نشانه وحدت و اتحاد کارگران ایران با کارگران جهان است. در این تلگراف آمده است:

"ما کارگران ایران سلام برادرانه خود را توسط اتحادیه سندیکایی جهانی به کلیه کارگران عالم می رسانیم و مبارزه خود را برای شکست کامل فاشیسم به هر



تظاهرات در نخستین اول ماه مه پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۸/۲/۱۱) در تهران

فریاد "درود بر کارگران" و "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" شرکت می کنند. آنان در قطعنامه پایانی خود خواهان تأمین حقوق و آزادی های دمکراتیک برای همه خلق های ایران، لغو کلیه قراردادهای امپریالیستی، شرکت موثر نمایندگان کارگر در تدوین قانون اساسی کشور و قانون کار، ملی شدن کارخانه و موسسات تولیدی وابسته به سرمایه های خارجی و عمال داخلی، آزادی فعالیت سندیکایی، شرکت در اداره موسسات صنعتی و کشاورزی و بسیاری از خواست های انقلابی دیگر می شوند که در مطبوعات آن زمان انعکاس می یابد.

در سال های بعد از انقلاب نیز کارگران این روز را با شکوه هر چه

اسم و ماسکی که باشد - و ارتجاع بین المللی و برای به دست آوردن آزادی و دمکراسی واقعی و صلح عادلانه و دائم ادامه می دهیم. سوگند یاد می کنیم که تا فتح و پیروزی کامل از پای ننشینیم."

مبارزات کارگران همچنان ادامه دارد. لیکن ارتجاع و امپریالیسم نیز بی کار نمی نشینند و حملات خود را به مبارزات کارگران آغاز می کنند و بسیاری از کارگران را روانه زندان های رژیم می کنند. با وجود این کارگران جشن کارگری خود را برپا می کنند. در سال ۱۳۲۰ به دعوت کمیته تدارک اول ماه مه پیش از ۸۰ هزار نفر از کارگران و زحمتکشان تهران در میدان بهارستان گرد می آیند و مراسم اول ماه مه را برگزار می کنند.

نگرانی مردم مترقی جهان از سرنوشت نامعلوم هزاران توده‌ای در بند

بقیه از صفحه ۲

هندوستان

بیست و نهم فوریه (۱۰ اسفند) به ابتکار سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و با حمایت حزب کمونیست هندوستان، جلسه‌ای در شهر بارودا برگزار گردید. در این جلسه پیرامون اوضاع کنونی ایران و به ویژه سیاست‌های ارتجاعی رژیم حاکم بر میهن ما در قبال میهن دوستان و مبارزین دگراندیش، توضیحاتی داده شد. دبیر ایالتی حزب کمونیست هندوستان، باردیگر به نمایندگی از جانب کمونیست‌های منطقه، پشتیبانی بی‌دریغ خود را از نیروهای مترقی و به خصوص حزب توده ایران که تحت فشار و تضيیقات حکومت جمهوری اسلامی به سر می‌برند اعلام داشت و جنایات رژیم جبار ایران را در حق این نیروها شدیداً محکوم کرد. در پایان جلسه، قطعنامه‌ای به اتفاق آراء در این زمینه به تصویب رسید.

● در میتینگی که در تاریخ ۲۸ فوریه (نهم اسفند) بنابه دعوت حزب کمونیست هند در مدرس برگزار شد، رویدادهای اخیر ایران و به ویژه بازداشت، شکنجه و کشتار توده‌ای‌ها و سایر نیروهای مدافع انقلاب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جلسه طی صدور قطعنامه‌ای که به امضای شخصیت‌های حاضر در جلسه رسید، اعمال وحشیانه رژیم حاکم بر ایران را محکوم کرد و انتشار لیست کامل زندانیان، دیدار هیأت‌های بین‌المللی از آنان، مراجعات حقوق حقه ایشان، پایان دادن به زجر و شکنجه و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی را خواستار گردید.

● انجمن ملی شاعران و نویسندگان مترقی ایالت تامیل نادو، جلسه‌ای در حمایت از زندانیان سیاسی مترقی ایران به تاریخ سوم مارس (۱۳ اسفند) برگزار کرد. در این جلسه قطعنامه‌ای مبنی بر محکوم کردن جنایات حکومت جمهوری اسلامی در قبال میهن‌دوستان و مبارزان راه آزادی ایران و خواست آزادی آنان از بند، صادر شد.

دمکرات آلمان، بخش شرق گوتینگن ● سندیکای صنایع ساختمان گوتینگن ● سازمان حزب دمکرات خلق کردستان در آلمان فدرال ● مجمع عمومی دانشجویان دانشگاه و مدارس عالی دوسلدورف ● اتحادیه سوسیالیست‌های مدارس عالی دوسلدورف ● حزب سبزها، شعبه نوردراین وست فالن ● جامعه کلیساهای اوانگلیست پیرو لوتر در هولشتین.

● ۲۰ تن از جوانان عضو سندیکای پست آلمان فدرال، طی برگزاری جلسه‌ای، همبستگی کامل خود را با حزب توده ایران و زندانیان توده‌ای ابراز داشتند. آنان با صدور قطعنامه‌ای اعمال وحشیانه رژیم را در قبال زندانیان محکوم کرده، آزادی ایشان را خواستار شدند.

گروهی از افسران و اعضای حزب توده ایران را شدیداً محکوم کردند. آنان از طریق ارسال نامه و مخاپره تلگرام به مقامات مسئول جمهوری اسلامی، نسبت به پایمال کردن موازین حقوق بشر و شکنجه و آزار زندانیانی که صرفاً به جرم آزادی‌خواهی و دفاع از حقوق مردم ستم دیده و محروم اجتماع به بند کشیده شده‌اند، اعتراض کردند:

● گروه کار فدراسیون اتحادیه‌های کارگران ترکیه در آلمان فدرال، شعبه کیل ● حزب سوسیال دمکرات، بخش گوتینگن ● شعبه حزب سبزها و دانشجویان کاتولیک گوتینگن ● شعبه‌های حزب کمونیست آلمان و گروه کمونیست‌های دانشگاه اولدنبورگ و حزب کمونیست آلمان، بخش نیدرساکسن ● اتحادیه سندیکایی آلمان در گوتینگن ● حزب سوسیال

جهانی حقوق بشر که ایران نیز یکی از امضاءکنندگان آن است، صریحاً نقض می‌کند.

به این مناسبت، گروه کمونیست و منفرد هیأت نام‌برده، اخیراً از دانشکده رییس پارلمان اروپا، تقاضا کرد تا هرچه زودتر اقداماتی در این زمینه به عمل آورد. رییس پارلمان اروپا ضمن پاسخ مثبت به این درخواست، نگرانی و تأثر خود را در باره آنچه بر مدافعان آزادی در ایران می‌رود، ابراز داشته است. رفته رفته بیکه در پایان اظهار می‌دارد:

"آقای وزیر، تصور نمی‌کنید در نشست‌هایی که در کادر همکاری سیاسی با ده کشور اروپایی دارید، تبادل نظر و اتخاذ تصمیمات مشترک در مورد این مسایل ضروری و ارزشمند باشد؟"

آلمان فدرال

نیروهای مترقی شهر آخن علیه جنایات ضد بشری رژیم ج.ا. اعتراض می‌کنند

سازمان "صدفایشته‌ها و کسانی که تحت پیگردنازی‌ها قرار داشتند"، هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در آخن، روز ۲۴ مارس (۶ فروردین) تظاهرات علیه سیاست‌های ارتجاعی حکومت جمهوری اسلامی در زمینه بسط روابط با امپریالیست‌ها، ادامه جنگ خانمانسوز با عراق و شکنجه و کشتار آزادی‌خواهان در ایران برپا کردند. در این تظاهرات سایر نیروهای خارجی از جمله سازمان‌های مترقی از قبرس، یونان، ویتنام و گروه‌های مترقی آلمانی نیز شرکت داشتند. تظاهرکنندگان ضمن حمل پلاکارتهایی به افشای اعمال جنایت‌کارانه رژیم جمهوری اسلامی در قبال نیروهای طرفدار صلح و استقلال ایران و از جمله اعضای حزب توده ایران پرداختند. این تظاهرات توجه بسیاری از مردم شهر را به خود جلب کرد و حمایت آنان را از زندانیان دمکرات ایران برانگیخت.

● سازمان‌های زیر در آلمان فدرال، اجرای حکم اعدام در مورد

آمریکا

آنجلادیویس برای چندمین بار نسبت به جنایات رژیم ج.ا. اعتراض کرد

چندمین بار نسبت به جنایات رژیم حاکم بر ایران اعتراض کرد.

● در میان سایر شخصیت‌هایی که نسبت به اعمال جنایت‌بار حاکمیت جمهوری اسلامی علیه آزادی‌خواهان ایران اعتراض کردند، از جمله پرفسور جان مورو پرفسور جان کلی، استادان دانشگاه برکلی - کالیفرنیا، خانم بینگ کلی، عضو شورای برکلی، کاس نیوپرت شهردار این شهر به چشم می‌خورد.

● شورای صلح سانفرانسیسکو ضمن محکوم کردن روش‌های غیرانسانی حکومت جمهوری اسلامی، کلیه افراد و سازمان‌های مترقی آمریکا را فرا خوانده است تا برای نجات جان زندانیان فعالیت کنند.

● گروهی از اعضای سازمان پوزیلنگ‌های خاکستری در شمال کالیفرنیا، طی ارسال نامه‌هایی به مقامات حکومتی ایران، خواستار رعایت حقوق مسلم زندانیان توده‌ای شده‌اند.

موج خشم و اعتراض مردم و شخصیت‌های مترقی آمریکا نسبت به برپایی دادگاه‌های فرمایشی، صدور و اجرای احکام جایزانه، زندان‌های طویل‌مدت و اعدام افسران و اعضای حزب توده ایران، هم‌چنان ادامه دارد.

رابرت ویلی، مسئول کمیته همبستگی با ایران در اوکلاهما، طی ارسال نامه‌ای به هیأت دایمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل، به ویژه، اعدام‌های وحشیانه را محکوم نموده و پایان دادن به اعمال ضدبشری حکومت در قبال نیروهای مترقی را خواستار شده است. وی همچنین نامه‌هایی خطاب به مسئولین حکومتی کشورهای سوریه، الجزایر و لیبی نوشته و از آنان درخواست کرده است تا تمام امکانات خود را جهت نجات زندانیانی که در انتظار دادگاه‌های بعدی و تحت شکنجه‌های طاقت‌فرسا به سر می‌برند، به کار بندند.

● آنجلادیویس شخصیت برجسته و مبارز سیاسی بنام آمریکا برای

انقلاب پیروز افغانستان، بی‌بازگشت است!

به مناسبت ششمین سالگرد پیروزی انقلاب دمکراتیک خلق افغانستان

در ۲۶ آوریل سال ۱۹۷۸ (۵ اردیبهشت ۱۳۵۷) زحمتکشان افغانستان به رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان، با پیام مسلحانه‌ای که ارتشیان رقی‌خواه میهن‌دوست افغانستان حالانه در آن شرکت داشتند، رژیم مداخلتی و فئودال - کمپرادوری این کشور را سرنگون ساختند. با پیروزی انقلاب ضد فئودالی، مدامپریالیستی و دمکراتیک افغانستان، راه برای استقلال واقعی، دمکراسی و برابری حقوق مام افراد جامعه در این کشور موار گردید. این انقلاب سرآغاز ایان بخشیدن به دوران ظلمت فئودالی، عقب‌ماندگی، فقر و

عمده از صنایع نساجی و غذایی تشکیل می‌شد و تنها پایه "صنعتی" این کشور را تشکیل می‌داد. تولید کشاورزی در اقتصاد افغانستان، نقش اساسی و تعیین کننده‌ای داشت و بالغ بر ۶۰ درصد تولید ملی و ۷۰ درصد صادرات کشور را تشکیل می‌داد. محصولات به دست آمده به علت تسلط شیوه‌های کهنه فئودالی و پدرسالاری حاکم بر تولید کشاورزی، نیازهای روزافزون ۱۸ میلیون جمعیت کشور را تأمین نمی‌کرد. زمین‌داران بزرگ که تنها ۵ درصد مردم روستا را شامل می‌شدند، در مجموع بیش از دوسوم زمین‌های زیر کشت را در تصاحب خود داشتند. علاوه

فرمان شماره ۶ شورای انقلاب، بدهی دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، به زمین‌داران بزرگ و رباخواران ملتی شد. این فرمان ۱۱/۵ میلیون دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، یعنی بیش از ۸۰ درصد روستاییان را در برمی‌گرفت. براساس فرمان شماره ۸ که منشور اصلاحات ارضی به نفع توده‌های دهقانان بی‌زمین و کم زمین بود، حد مالکیت ارضی قریب ۵ هکتار تعیین شد و تنها آن دهقانانی زمین دریافت می‌کردند که خود و یا به کمک اعضای خانواده خود آن را کشت می‌کردند. در نخستین مرحله اصلاحات ارضی، ۲/۵ میلیون دهقان بی‌زمین صاحب زمین شدند و از زمین‌داران بزرگ

منطقه، جنگی اعلام نشده علیه افغانستان دمکراتیک را آغاز کردند. هزاران مزدور ضدانقلابی، در اردوگاه‌های ویژه مخفی که در کشورهای هم‌جوار افغانستان برپا گشته بودند، از سوی کارشناسان آمریکایی و چینی آموزش می‌دیدند و مجهز به سلاح‌های آنان، برای فعالیت ضدانقلابی، روانه



بر آن آب، پذیر و کشت افزارها نیز به آن‌ها تعلق داشت. در مقابل هفتاد و هشت درصد روستاییان فاقد زمین بودند. بنابراین تخمین کارشناسان سازمان ملل، افغانستان در زمره عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان بود. درآمد سرانه قبلی کمتر از ۱۰۰ دلار بود و در سراسر کشور تنها ۸۰۰ پزشک و ۷۵ مرکز پزشکی وجود داشت. ۹۰ درصد مردم بی‌سواد و زنان از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم بودند.

پس از پیروزی انقلاب، شورای انقلاب، به مثابه عالی‌ترین ارگان قدرت دولتی، در ۱۹ اردیبهشت طی برنامه‌ای هدف‌های عمده خود را در جهت بازسازی انقلابی کشور بیان داشت. اصلاحات ارضی بنیادی در صدر برنامه دولت قرار داشت. با صدور

سلب مالکیت شد. از دیگر دست‌آوردهای انقلاب اردیبهشت ۱۳۵۷، تأمین آموزش و بهداشت همگانی و رایگان و آزادی‌های دمکراتیک بود. کارزار پیکار با بی‌سوادی آغاز و حقوق زن و مرد برابر اعلام شد. انقلاب افغانستان و دست‌آوردهای آن ضربه‌ای سهمگین بر پیکر امپریالیسم و ارتجاع منطقه بود. از همان نخستین روز استقرار جمهوری دمکراتیک افغانستان، نیروهای ضدانقلاب و فئودال‌ها و زمین‌دارانی که زمین‌های غصبی‌شان به نفع توده‌های زحمتکش مصادره شده بود، به همراه ریزه‌خواران سقره خود یعنی وعاظ السلاطین مزدور به مقابله با آن برخاستند. محافل امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، برتری جویان چین و ارتجاع

افغانستان می‌شدند. پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ در ایران، محافل امپریالیستی به سرکردگی آمریکا، هم‌گام با دسیسه‌های خود علیه انقلاب ایران، دامنه توطئه‌ها و مداخلات و فعالیت‌های ضدانقلابی علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان را به طور بی‌سابقه‌ای گسترش دادند.

از سوی دیگر عقب افتادگی عمومی و کم‌نظیر جامعه افغانستان و برخی اشتباهات در روش رهبری کشور، منجر به آن شد که فرد خائنی چون امین‌و دار و دسته او زمام امور کشور را در دست گیرند و دست‌آوردهای انقلاب و استقلال ملی افغانستان را در معرض خطر جدی قرار دهند و راه را برای توطئه‌های دسیسه کاران امپریالیستی - مائوئیستی - بقیه در صفحه ۱۴

سوادی مردم افغانستان محسوب شود. روند بازسازی انقلابی در افغانستان، در شرایط اجتماعی - اقتصادی دشواری آغاز گشت. ناسبات فئودالی و ماقبل لودالی، نیروهای مولده کشور را بند کشیده بودند و در بخش نعت کشور - که ۱۲ درصد تولید اخلاص ملی را تشکیل می‌داد - عطف چشم‌گیری نمایان بود. در شور قریب ۲۰۰ موزه تولیدی و ارخانه وجود داشت که به طور

در هفته‌ای که گذشت:

بر "اعتبار" رهبران ج.ا.نزد دولت ناتوی ترکیه افزوده می‌شود!

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست بر بیاد دادن دست‌آورد های انقلاب بهمن و زدن چوب حراج به استقلال ملی کشور، هیأت‌های بلند پایه‌ای را از کشورهای ترکیه و سنگاپور به ایران دعوت کردند.

رئیس هیأت اقتصادی دولت ناتوی ترکیه، هنگام ورود به ایران طی مصاحبه‌ای گفت:

"ایران برای ما دو مشخصه عمده و مهم دارد. یکی اینکه امروز بالاترین حجم مبادلات اقتصادی را با ترکیه دارد. دوم اینکه از نظر ما یک کشور معتبری است که هر چه قول بدهد و هر قراردادی که امضاء کند به آن عمل می‌کند(!)"

با توجه به اینکه رهبری جمهوری اسلامی به وعده‌های خود در قبال مردم پشت کرده و به اهداف انقلاب خیانت ورزیده است، "خوش قولی" آنان در برابر امپریالیسم و کشورهای وابسته به آن نه تنها تعجب برانگیز نیست، بلکه امری طبیعی و قانونمند است.

از سوی دیگر بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین دولت جمهوری اسلامی در مورد حجم مبادلات اقتصادی ایران و ترکیه گفت:

"شاید من بتوانم بگویم که (حجم مبادلات) ۲۵ تا ۳۰ برابر قبل از انقلاب است. چرا که قبل از انقلاب روابط با ترکیه روابط ناسالمی بود (ظاهراً ۲۵ تا ۳۰ برابر شدن حجم مبادلات، این روابط را بسیار سالم کرده است...) حجم مبادلات در ۲ سال گذشته، خصوصاً جهش بیشتری پیدا کرده و سال ۶۱ حدود ۲ میلیارد دلار بوده. سال ۶۲ شاید این مقدار به ۴ میلیارد دلار رسید و امسال هم، پیمان جدیدی منعقد خواهد شد که هنوز زود است که ما بدانیم تا چه حجمی خواهد بود."

هنگامی که حجم مبادلات ایران با ترکیه در سال گذشته به ۴ میلیارد دلار بالغ شده باشد، می‌توان ارقام نجومی معاملات ایران با "اولین شریک تجاری" آن یعنی امپریالیسم ژاپن را حدس زد.

همچنین هفته گذشته یک هیأت سنگاپوری به ریاست مدیرکل شورای توسعه و تجارت این کشور به ایران مسافرت کرد و در زمینه مسائل بازرگانی، بانکی، کشتیرانی و نفت با مسئولین جمهوری اسلامی مذاکراتی به عمل آورد. در این مذاکرات قرار شد در سال آینده، حجم مبادلات تجاری بین دو کشور که به حدود نیم میلیارد دلار در سال می‌رسد، افزایش یابد.

هنگامی که در نظر آوریم سنگاپور بندر آزادی است که در زمینه بازار و عرضه خدمات تجاری و تهیه کالا از اقصی نقاط دنیای امپریالیستی و همچنین امور کشتیرانی و امور بانکی یکی از

پایگاه‌های مهم امپریالیسم در آسیا و شرق دور به حساب می‌آید، تلاش رژیم جمهوری اسلامی برای گسترش روابط با این کشور قابل فهم تر می‌شود. رژیم جمهوری اسلامی قادر است از طریق سنگاپور به طور غیرمستقیم (و در نتیجه گران‌تر) به برخی از کالاهای امپریالیستی مورد نظر خود که در آن کشورها ساخته می‌شوند، دسترسی یابد.

امپریالیسم "عاقل" ژاپن اولین شریک ج.ا.

هفته گذشته، علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه دولت جمهوری اسلامی که در چارچوب سیاست بازسازی و گسترش مناسبات جمهوری اسلامی با جهان امپریالیستی، در رأس یک هیأت بلند پایه دولتی به ژاپن و مالزی سفر کرده بود، به تهران بازگشت.

او پس از بازگشت در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه اطلاعات در مورد گسترش روابط جمهوری اسلامی با امپریالیسم "عاقل" ژاپن گفت:

"با توجه به اینکه ژاپن اولین شریک تجاری ما در دنیا، در سال گذشته بوده... رابطه با ژاپن برای ما اهمیت دارد. اخیراً نیز علاوه بر پروژه‌هایی که قبلاً توسط ژاپنی‌ها انجام شده و یا در دست انجام است، قرارداد اجرای پروژه‌هایی در فولاد مبارکه و مرکز تولید برق قزوین با آن‌ها امضاء شده است."

آقای ولایتی همچون دیگر سردمداران خائن جمهوری اسلامی که در منجلاپ سازش با امپریالیسم فرو رفته‌اند و به منظور پنهان کردن خیانت‌های خود به اهداف انقلاب، تلاش دارند ماهیت استثمارگرانه و سلطه جویانه امپریالیسم را پرده پوشی کنند، در ادامه سخنان خود گفت:

"با توجه به اینکه ما در پی گسترش روابط با کشورهای هستیم که قصد ایجاد سلطه در کشور ما را ندارند... فکر می‌کنیم که پیوند صنعتی و تکنولوژی با ژاپن تا حدود زیادی در این راستا (۱) می‌تواند موثر باشد."

"اصلاح" یا مسخ کامل لایحه تجارت خارجی

هفته گذشته، مجلس شورای اسلامی لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی را طبق رهنمودهای شورای نگهبان سرمایه‌داری "اصلاح" کرد.

لایحه دولتی کردن تجارت خارجی در اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این لایحه که هم از لحاظ محتوی و هم از نظر مدت‌زمانی که بایستی اجرا شود، دارای نقاط ضعف مهمی بود، در صورتی که با

قانون کنترل دولتی توزیع داخلی از طریق دادن عمده فروشی همراه می‌شد، می‌توانست حل دشواری‌های اقتصادی جامعه و تأمین عد اجتماعی نقش بزرگی ایفا کند. اما شنگهبان سرمایه‌داری بلافاصله این قانون را کرد.

مخبر کمیسیون "اصلاح" لایحه دولتی ک تجارت خارجی طی سخنانی در مجلس گفت: این لایحه "از لحاظ قانون اساسی با اکثر آراء شورای نگهبان مغایر شناخته نشد" "از لحاظ موازین شرعی... به تأیید اکثر فقهای شورا رسید" (اطلاعات - ۱۱ اردیبه ۶۳).

مخبر کمیسیون اضافه کرد: "بدین ترتیب ما ناگزیر بودیم که لایحه ر شکلی اصلاح کنیم که شورای نگهبان آن بپذیرد" در نتیجه "روح کلی این اصلاحیه بر مبنی است که تجارت خارجی صد در صد اختیار دولت نیست (!)".

او در ادامه سخنان خود گفت: "نکته دیگری که مورد اشکال شورای نگهبان بود این مسئله بود که بخش خصوصی اگر کلاً وارد کشور کرد، توزیع آن باید در دست او باشد... حال چون حل این مسئله جز با راهی نداشت، بندهای مربوطه را حذف کردیم در واقع با این "اصلاحیه"، "شیرینی‌بال و د اشکی" به عنوان قانون دولتی کردن تجارت خارجی به تصویب رسید که به جز نام "دوا کردن" مزیت دیگری ندارد. قانونی که در مج به تصویب رسید، با اصل ۴۴ قانون اساسی کامغایر است. اما برای اعضاء شورای نگهبان چهار چشم مواظبند تا قوانینی مغایر شرع - صریح‌تر و دقیق‌تر مغایر منافع سرمایه‌داران زمین‌داران - تصویب نشود، مغایر بودن ا قانون با قانون اساسی هیچ مسئله خلا "شرعی" نیست!

ما در این مورد باز هم صحبت خواهیم کرد.

اعتراضات مخالفین کشتار و...

بقیه از صفحه ۱
غرب به رژیم جمهوری اسلامی، از دید انگیزه‌های این اقدام است.

در فرانکفورت معترضین خواستار اعزام هیأت بین‌المللی جهت بازدید و تهیه گزارش زندان‌های ایران و وضع زندانیان سیاسی انتشار عمومی این گزارش شدند. آنها همچنین خواستار قطع کمک‌های نظامی و اقتصاد امپریالیسم به رژیم جمهوری اسلامی هستند.

از سوی دیگر در اطریش چندین تظاهر کنند در حالی که با زنجیر خود را به یکدیگر بست بودند، به انجام نمایش اعتراضی در مرکز شومینادرت کردند.

این اعتراضات و اقدامات مشابه آن مانند اعتصاب غذای صدها ایرانی میهن‌دوست در برلین، کلن، اطریش، دانسارک و... نشان دهنده گسترش روزافزون اعتراضات علیه کشتار اختناق و پایمال کردن حقوق انسان‌ها در ایرا است.

ریتسوس: شاعر صادق سرنوشت یونان

ریتسوس بر ظلم و شکنجه غلبه یافت و دور از نگاه کینه توز دژخیمان به گوش دل آزادی خواهان رسید. ریتسوس در سال ۱۹۵۲ از فراموشخانه های "لیموس" به میان خلق بازگشت و بی درنگ پیکار انقلابی خود را از سر گرفت.

پس از کودتای خونین سرهنگان در سال ۱۹۶۷ که با کمک پیمان ناتو و حمایت ناوگان ششم آمریکا به اجرا درآمد، بار دیگر نیروهای مترقی و میهن دوست تحت تعقیب و کشتار قرار گرفتند. شاعر توده ای یونان با سرپوشور و تن رنجور بار دیگر به زندان افتاد. با اعتراض یکپارچه افکار عمومی جهان مردم آزاده یونان در سال ۱۹۷۰ اواربند رست.

ریتسوس به پاس فعالیت های خلاق هنری و پیکار خستگی ناپذیر اجتماعی اش در سال ۱۹۷۷ به افتخار دریافت جایزه صلح لنینی نایل آمد. در همین سال برنده جایزه ادبی نوبل شناخته شد. از یانیس ریتسوس تا کنون بیش از هفتاد کتاب شعر و چند اثر نمایشی و مجموعه مقاله منتشر شده است. آثار او به بیش از ۲۴ زبان زنده دنیا ترجمه شده است. دو مجموعه ازگزیده آثار او به زبان فارسی درآمده است.

ریتسوس همواره در پیکار اجتماعی سراسر کیتی در راه صلح و پیشرفت و ترقی اجتماعی حضور فعال داشته است. یکی از آخرین نمودهای مبارزه انقلابی او، حمایت بی دریغ از انقلاب میهن ما و اعتراض شدید به یورش وحشیانه حاکمیت جمهوری اسلامی بر نیروهای انقلابی، به ویژه حزب توده ایران بوده است. کمتر از دو ماه پیش ریتسوس به اتفاق دوست پرآوازه اش تئودوراکیس در اعتراض به اعدام جنایتکارانه ده میهن دوست توده ای بیبینه محکوم کننده ای بر علیه دژخیمان مردم ستم دیده ایران انتشار داد.

در سالگرد فرخنده اول ماه مه با تعظیم به پرولتاریای جهانی و فرزند یونانی اش، یانیس ریتسوس، یکی از سرودهای او را به مناسبت "روز همبستگی جهانی کارگران" بقیه در صفحه ۱۵



نشریه ارگان حزب کمونیست قلم می زد. شعر ریتسوس با شبیخون بی رحمانه ارتجاع و مزدوران امپریالیسم بر طبقه کارگر و حزب پیش آهنگ او، در خدمت مقاومت جانبازانه خلق قرار گرفت. در سال ۱۹۶۱، هیتلر به کمک هم پیمانان ایتالیایی خود برای سرکوب جنبش رهایی یونان به میهن ریتسوس لشکر کشی کرد. جبهه مقاومت ملی که از کمونیست ها و سوسیالیست ها تشکیل می شد، به دفاع از میهن برخاست. ریتسوس با وجود آنکه از بیماری هولناکی رنج می برد در صف اول رزمندگان جبهه قرار گرفت.

در سال ۱۹۴۴، با شکست تجاوزگران فاشیست، یک دولت دمکراتیک انقلابی به سرکار آمد. اما به زودی ارتجاع داخلی به یاری نیروهای انگلیسی بساط منحوس سلطنت را بازگرداند. با یورش جدید ارتجاع و جیره خواران امپریالیسم هزاران رزمنده میهن دوست و انقلابی به خون غلطیدند.

در سال ۱۹۴۷ "دکترین ترومن" یونان را قلمرو "منافع آمریکا" اعلام کرد با سرمایه امپریالیسم جنایتکار آمریکا چندین زندان برای فرزندان خلف خلق یونان ساخته شد و بیش از ۲۰ هزار میهن دوست در بند افتادند. ریتسوس از نخستین انقلابیونی بود که به زنجیر کشیده شد. از سال ۱۹۴۸ در جزیره مخوف "لیموس" با روزی ۱۵ ساعت اعمال شاقه از شاعر خلق "پذیرایی" کردند. فریاد غاصی

که ریتسوس در کنار مایاکوفسکی، نرودا، ناظم حکمت و برشت در جایگاه بزرگترین شاعران قرن بیستم قرار می گیرد. تئودوراکیس که بسیاری از اشعار او را به موسیقی درآورده در باره ریتسوس چنین می گوید: "او عمیق تر از هر کس دیگری طیش قلب خلق ما را می شنود و پیام آن را بازمی گوید. او شاعر صادق سرنوشت غم بار یونان است."

سراسر آثار ریتسوس از پیوند میهن دوستی انترناسیونالیستی آکنده است. پیام انسانی او در تمامی کیتی، پژواک می یابد. طنین گرم شعر او، آزادی و بهروزی همه بشریت را نوید می دهد:

بشنوید که این باد وزیده از جنگل ما

چه سان در شهرهای آینده صغیر می کشد

عظیم است این باد بس شادمان است و سرکش

... می درخشد از شهیدان می درخشد از آینده و امید.

... چه سترگ است این باد!

... درم خواهد ریخت همه دیوارها را

دیوارهای میان خلق ما دیوارهای مرگ و نابودی

دیوارهای میان جانها و قلبها دیوارهای برکشیده میان من و تو

و باز می گشاید پنجره خورشید را به روی جهان

گوش فرا دهید به خروش این باد در همه مرزهای به خون آغشته جهان.

زندگی ریتسوس با تاریخ میهن پلازده اش پیوند ناگسستنی دارد. او در اول ماه مه ۱۹۰۹ در جزایر پلوپونز یونان به دنیا آمد. در اوان جوانی اندیشه خود را با جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم سیراب نمود و با تأسیس حزب کمونیست یونان به آن پیوست و تا امروز در شمار فعالین این حزب بوده است.

در سالهای پیش از جنگ جهانی دوم که یونان در چنگال ارتجاع سلطنتی اسیر بود، ریتسوس در

امسال، یونان، روز اول ماه مه را نه تنها به عنوان "روز جهانی کارگر"، بلکه به مناسبت هفتاد و پنجین سالگرد تولد شاعری جشن می گیرد که سراسر زندگیش با مبارزه، شکست و پیروزی زحمتکشان یونان گره خورده است. شعر ریتسوس تنها به حزب او، حزب کمونیست یونان تعلق ندارد، بلکه از آن کل جنبش انقلابی مردم است. شهرت و محبوبیت او در یونان با آوازه دوست آهنگساز میکیس تئودوراکیس قابل مقایسه است. مردم او را "شاعر خلق" می شناسند، زیرا در پیکار بی امان خویش علیه امپریالیسم و دیکتاتوری همواره از اشعار او نیرو گرفته اند. خود او در شعری می گوید:

... بعدها نگویید که من کار مهمی انجام داده ام

چرا که من، رفقا، تنها به دیواری تکیه دادم که شما نیز تکیه داده بودید

تنها در اردوگاه نام قهرمانان و شهیدانمان را به یاد می آوردم

تنها دستبندهایی بردست داشتم که بردستان شما هم بود

و تنها با شما رنج می کشیدم و با شما در رویا فرو می رفتم

و تنها من و تو یکدیگر را یافتیم، ای رفیق!

برخلاف فروتنی بزرگوارانه ریتسوس در این شعر، او با زندگی خلاق و هنر رزم جویانه خود چنان اوچی یافت که لویی آراگون شاعر فرانسوی در پناه اش گفت:

"ریتسوس بزرگترین شاعر روزگار ماست. او رساتر از هر شاعر دیگری رازهای جهان را بر من باز می گشاید... هنر ریتسوس بی کران است. او تمام زاریها و شکوهها و کلایه های خلق دردمند و ستم دیده خود را بازگو می کند."

ریتسوس با به پای خلق یونان، رنج کشید و زخمید و با آثار خود بر زخم های مردم مرهم نهاد و بر دل هایشان نور امید نشانید. اشعار او آکنده از خوش بینی و امید به آینده است. عشق و احترام به انسان و نضرت و بیزاری از دشمنان مردم، ویژگی بارز شعر بسپجنده اوست. به خاطر این ویژگیهاست

چهل سال از تاسیس شورای ...

بقیه از صفحه ۶

کارگران و زحمتکشان ایران نوشت:

"بالاخره پس از دو سال انتظار، دولت ... لایحه قانون کار را تقدیم مجلس نمود."

این اولین باری بود که تحت فشار طبقه کارگر و سازمان سراسری او، چنین لایحه‌ای به مجلس برده شد. اما هدف دولت وقت به هیچ وجه تصویب یک قانون کار مترقی نبود. روزنامه ظفر هم چنین می‌افزاید:

"این قانون که ما آن را گول زدن کارگران می‌خوانیم، به قدری مفتضح و ناقص است که اگر بخواهیم آن را شرح دهیم ستون‌های روزنامه گنجایش آن را نخواهد داشت."

پس در همانجا اشکالات اساسی لایحه و پیشنهادهای مشخص شورای متحده مطرح می‌شود. ولی شورا به این پیشنهادات اکتفا نمی‌کند. راه پیمایی‌ها و گردهم‌آیی‌های متعددی از طرف کارگران، جهت پشتیبانی از تدوین یک قانون کار مترقی برپا می‌شود در عین حال، شورای متحده مرکزی، برای قانون کار طرحی تنظیم و به مجلس ارائه می‌کند. در کمیسیونی که برای بررسی این طرح تشکیل شد، نماینده شورای متحده مرکزی به عنوان نماینده واقعی کارگران سراسر ایران شرکت کرد. روزنامه ظفر مورخ ۱۳۱۵/۲/۲۳ خبر می‌دهد:

"سومین جلسه کمیسیون مشورتی طرح قانون کار... با حضور آقایان روستا، نماینده شورای متحده... تشکیل و طرح مزبور پس از شور و اصلاح تقدیم شورای اقتصادی گردید (در آن زمان هنوز وزارت کار وجود نداشت)."

روزنامه ظفر مورخ ۱۳۱۵/۲/۲۳ خبر پیروزی کارگران را با این جملات انتشار داد:

"قانون کار تصویب شد. مشت محکم کارگران بردهان ارتجاع فرود آمد."

بدین ترتیب طبقه کارگر ایران توانست با نیروی متشکل و سازمان سراسری خود، یک پیروزی بزرگ و تاریخی کسب کند. اگرچه بعداً این قانون توسط حکومت وابسته شاه مسخ شد و اکثریت مواد آن هیچ‌گاه به اجرا در نیامد، ولی

سنگ پایه و ستون فقرات آن توسط مبارزات ۴۰ ساله طبقه کارگر پی‌ریزی می‌شد. لازم به یادآوریست که برای اولین بار تعطیلی اول ماه مه در این قانون به رسمیت شناخته شد و جزو تعطیلات رسمی کارگران محسوب گردید.

حملات ارتجاع

علیه شورای متحده مرکزی

ارتجاع چه در جریان تکوین شورای متحده مرکزی و چه پس از آن، هیچ‌گاه از توطئه علیه تشکل سراسری کارگران دست نکشید. در مرحله پیش از تشکیل شورای متحده، ارتجاع امید داشت تا با کمک افرادی که با ماسک طرفداری از کارگران در رهبری اتحادیه‌های کارگری جا گرفته بودند، در جنبش متحد سندیکایی تفرقه ایجاد کنند و مانع تشکیل یک سازمان سراسری گردند. ولی کارگران به خوبی این توطئه را فاش و خنثی ساختند و بسیاری از این عناصر مشکوک را طرد کردند. از جمله این افراد می‌توان از "یوسف افتخاری" نام برد که از رهبری "اتحادیه کارگران و پرزگران" برکنار شد.

پس از تشکیل موفقیت‌آمیز شورای متحده مرکزی، هنگامی که ارتجاع و امپریالیسم توطئه‌های تفرقه افکنانه خود را نقش بر آب دیدند بیش از پیش به سرکوب کارگران روی آوردند.

سرکوب کارگران ابتدا از مازندران شروع شد. ارتجاع به دست عمال خود که تحت نام حزب وطن عمل می‌کردند، در کارخانه نساجی شاهی به خرابکاری پرداخت. در تبریز، سمنان، دامغان و دیگر شهرها نیز تحریکات شدت گرفت. در اصفهان سازمان‌ها و کلوب‌های کارگری مورد حمله واقع شد. عناصری مانند شمس صدری که اتحادیه دروغین "شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگران و دهقانان و پیشه‌وران ایران" را تشکیل داده بودند با هم‌دستی پلیس، دفاتر اتحادیه‌های کارگری و حزب توده ایران را مورد حمله قرار دادند. ارتجاع و امپریالیسم که از پیوند سازمان‌های صنفی و سیاسی طبقه کارگر آگاه بودند و از آن

هراس داشتند، حملات خود را علیه هر دو یعنی شورای متحده مرکزی و حزب توده ایران سازمان دادند. ارتجاع داخلی به دستور و با کمک امپریالیسم در سال ۱۳۱۶ علیه شورای متحده مرکزی و سازمان‌های اصیل سندیکایی کارگران یورش بردند و به دنبال آن در سال ۱۳۱۷، پس از یک صحنه سازی مضحک، حزب توده ایران را غیرقانونی اعلام کردند.

شورای متحده مرکزی در دوران کوتاه فعالیت علنی خود، در جنبش ضدفاشیستی و دمکراتیک و ملی مردم ایران نقش بسیار با اهمیتی ایفا کرد. نقش شورای متحده مرکزی در مبارزات اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک و بالا بردن آگاهی طبقاتی کارگران، تحت رهبری حزب توده ایران به حدی بود که طبقه کارگر، به عنوان نیرومندترین قدرت در عرصه مبارزه ضدامپریالیستی و ضد رژیم استبدادی شکل گرفت. اگرچه در دوران جنبش ملی شدن نفت، شورای متحده به علت وجود شرایط اختناق و بی‌کرد شدید، قادر

نشد نقشی تمام عیار ایفا کند، و به عنوان یکی از نیروهای اصلی نبرد همواره حضور داشت. متأسفانه زهبران ملی وقت نیز نقش جنبه صنفی و سیاسی طبقه کارگر را، مجموعه جنبش ملی و پیشه‌آرمان‌های آن درک نکردند. بالمال موجبات شکست آن فراهم آوردند.

برگزاری جشن اول ماه مه بر طبقه کارگر ایران از دو جهت خاص اهمیت است. اولاً؛ کارگران ایران ۱۱ اردیبهشت، روز اول ماه مه را همراه با تمام کارگران جهان برآ؛ بزرگداشت و تحکیم پیوند همبستگی جهانی کارگران چشم می‌گیرند. ثانیاً؛ کارگران ایران این روز را که مصادف با سالگرد تأسیس سازمان صنفی سراسری آنانست، به عنوان بزرگداشت اتحاد پنج میلیون کارگر ایرانی گرامی می‌دارند.

بزرگداشت دست‌آورد های شورای متحده مرکزی، در واقع تأکیدی است بر لزوم و اهمیت ایجاد تشکل سراسری طبقه کارگر.

انقلاب پیروز افغانستان...

بقیه از صفحه ۱۱

افغانستان در مجموع به شرایط عادی بازگشت.

رهبران اتحاد شوروی و افغانستان بارها اعلام کرده‌اند، پایان دادن به جنگ اعلام نشده علیه افغانستان، محور حل "مسئله افغانستان" است و با تضمین عدم دخالت نیروهای مداخله‌گر خارجی در امور داخلی افغانستان مستقل، واحدهای محدود اتحاد شوروی از این کشور خارج می‌شوند. امپریالیست‌ها و مرتجعین منطقه با مشاهده سیر بی‌بازگشت مرحله نوین انقلاب ثور، بیش از پیش به بسیج، سازماندهی و مسلح ساختن ضدانقلاب فراری و ایجاد پایگاه‌های تربیت خرابکاری پرداخته و می‌پردازند. از سوی دیگر سردمداران جمهوری اسلامی بعد از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، سیاست مقابله خصمانه با دولت افغانستان و انقلاب آن را در پیش گرفتند و روز به روز بر شدت این سیاست افزودند. با چرخش به راست حاکمیت جمهوری اسلامی و خیانت رهبران آن به اهداف انقلاب

ندامت نامه سرگشاده حاکمیت...

بقیه از صفحه ۴

امیدهای سران جمهوری اسلامی برای اینکه حتی پس از شکست احتمالی ریگان در انتخابات آینده چرخش در سیاست امپریالیسم در جهت کمک به جمهوری اسلامی برای پیروزی نظامی در جنگ با عراق اتفاق افتد بی پایه و موهوم است. دامن زدن به این امیدواری‌های موهوم، تنها بیانگر تصمیم قاطع سران جمهوری اسلامی به کرش خاضعانه تر در برابر امپریالیسم آمریکاست.

بهای کج. برای کسب پشتیبانی کامل امپریالیسم می پردازد

ندامت نامه حاکمیت جمهوری اسلامی به پیشگاه امپریالیسم اگرچه حاوی نکته تازه ای نیست، اما اعلام آن در شرایط کنونی، بیانگر آمادگی تکان دهنده جمهوری اسلامی برای حراج هرچه

ارزان تر دست آوردهای انقلاب و منافع ملی میهن ما برای کسب حمایت امپریالیسم جهانی است. از هنگامی که در زمستان گذشته، با اعلام مواضع رسمی ایالات متحده مبنی بر دفاع از ثبات رژیم عراق روشن شد آمریکا - علی رغم بهای سنگینی که حاکمیت جمهوری اسلامی با چرخش به راست همه جانبه در کلیه عرصه های سیاست داخلی و خارجی برای جلب حمایت کامل امپریالیسم پرداخته است - حاضر نیست به خواست های توسعه طلبانه جمهوری اسلامی در منطقه تن در دهد، سران جمهوری اسلامی سیاست تشدید سمت گیری ارتجاعی و تسلیم هرچه بیشتر در برابر مطامع امپریالیسم برای جلب رضایت آمریکا را در پیش گرفته اند. گسترش روابط اقتصادی وابستگی آمیز با جهان غرب، ادامه

انقلاب پیروز افغانستان...

بقیه از صفحه ۱۴

اما به رغم تشبثات امپریالیسم و ارتجاع، افغانستان ضد امپریالیست و دموکراتیک امروز به چشم اندازی های سازندگی جامعه و بهروزی مردم با اطمینان کامل می نگرد. ما ششمین سالگرد انقلاب فرخنده افغانستان را به خلق برادر کشور همسایه و حزب رهبری کننده آن صمیمانه شادباش می گوئیم.

شکوه مند بهمن ۵۷، در رابطه با انقلاب افغانستان، نزدیکی و همسویی سیاست جمهوری اسلامی با محافل امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا کامل تر شد. رهبری جمهوری اسلامی هم راه و هم گام با ضیاء الحق جنایتکار در دسیسه های امپریالیستی - ارتجاعی نقش ویژه و مهمی بازی می کند و به یکی از آتش بیاران تمام عیار معرکه تبدیل شده است.

ریتسوس...

بقیه از صفحه ۱۴

بخوانیم:

به حیرتم که ماه مه از میان این همه شهید چگونه راه خود را خواهد گشود؟ از میان این انبوه قربانی چه سان خواهد گذشت اول ماه مه؟ خواهد توانست آیا کشته ها را از سر راه بردارد و به در خانه ما برسد؟ نه! ما تنها برای مردن به دنیا نیامده ایم آفتاب این را می داند و توم می دانی، رفیق من! آنگاه که ما روز را با سربلندی به پایان می بریم خورشید پیش از روزهفتن، دمی به ما می نگرند و با لبخندی پر لب می گویند: من بازمی گردم - آری خود او می گویند - بی شک بازمی گردم. همان گونه که آن نجار، پیش از ترک خانه در یک دست مداد و در دستی دیگر آره به فرزندان خویش می نگرند با اطمینان از بازگشت سرفراز خود با یک بغل پرازان و سربلندی ما زمانی است که وظیفه خود را انجام داده باشیم.

پرداخت فرامتهای سنگین به انحصارات امپریالیستی برای جلب همکاری آنان، تشدید یورش سبانه به نیروهای انقلابی پیگیر از جمله سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، اعدام افسران میهن دوست توده ای و فعالین حزب توده ایران، تهدید اتحاد شوروی همسایه و دوست نیرومند مردم ما به درگیری نظامی، اعلام آمادگی داوطلبانه برای همکاری همه جانبه با امپریالیسم و ارتجاع منطقه به منظور سرکوب انقلاب افغانستان، احیای سازمان عمران منطقه ای، تلاش برای همکاری های نظامی با ترکیه و پاکستان به عنوان مقدمه ای برای احیای پیمان سنتو، سکوت در برابر اشغال نظامی خلیج فارس از سوی ایالات متحده و تلاش برای بهبود مناسبات با ایالات متحده، علی رغم عملی شدن بخشی از نیت توسعه طلبانه امپریالیسم آمریکا در منطقه، پیشکش های تازه ای است که حاکمیت جمهوری اسلامی پرداخته است تا مناسبات با ایالات متحده را به حدی بهبود بخشد که امکان طرح علنی تقاضای استغاثه آمیز رییس مجلس فراهم آید.

سران جمهوری اسلامی به شیوه همه حکام روبرتافته از خلق، سیاست درآویختن هرچه بیشتر به دامان امپریالیسم را برگزیده اند. این سیاست ارتجاعی هیچ دورنمایی برای ایجاد کمترین تغییر در بن بست نظامی جنگ توسعه طلبانه که خود ناشی از بن بست سیاسی حاکمیت در مانده جمهوری اسلامی است، ندارد.

برسکوی پرافتخار اول ماه مه

بقیه از صفحه ۸

سال از آن هنگام که این امید در قلبش نور پاشید، گذشته است. اینک و یک بار دیگر برسکوی پرافتخار ماه مه ایستاده است. رهبرانی که برای به قدرت رساندنشان، با آنان دست بیعت داده بود، دست راهنمای او را قطع کرده اند؛ دست یگانه پشتیبان و حامی راستینش که سراسر این سال های دشوار و حماسه آفرین را در کنار و پیشاپیش او بوده است. قلبش را از او دزدیده اند و سهم زندگی ای که با جنگ و دندان به دست آورده بود و میهنی که برای پایداری جاویدش، تبارش را قربانی کرده بود... آنان او، مصالح و مقدساتش را به امپریالیسم فروخته اند! به بهایی بیش از ارزان و با شقاوتی بسیار گران، مگردشمن، دیگر چه معنایی دارد؟! اولین سالی است که از دومین هجوم مغول وار

گزمکان حکومتی به حامی استوار و پی گیرش! حزب توده ایران می گذرد. از مغان زهرآلود رژیم در شب عید جهانی او "شوهای تلویزیونی" بود. آنها با این کار، جنگ اعلام نشده ای را علیه او آغاز کردند. برای او این نمایشات شوم و سیا آموخته، معنایی فراتر از چند "برنامه تلویزیونی" دارد. ستیز آشکار با او، نفی تاریخی که با خون و زندگی خود و همراهانش نوشته شده، لجن پاشی به خیزش حماسی تبار کارگری اش که همه توش و توان خود را در راه پیروزی آن باخته، انکار همه دست آوردهایی که نه چون "صدقه"، بلکه با رزم خودش، با قدرت بازو و اراده خودش به دست آورده است؛ این سیمای کارگر ستیز حکومتی است که سال ها، از سر صدق به خلوص ادعایش امید بسته بودو

اکنون بر آنست عید او را به عزا بدل کند. نه! او به هر کاری قادر است، جز نفی خود با توان همان دستهایی که شاه را سرنگون کرد، حزبش را حفاظت خواهد کرد و سرانجام آرمان های مردمی آن را بر مسند ثبوت خواهد نشاند. او با احترام و نوید، برابر صف قهرمانانی که به خاطر بهروزی طبقه اش، هستی خود را نثار کردند می ایستد، به نام بزرگ و غرور آفرین یارانی که زیر شکنجه های پرپرمنشانه رژیم به شهادت رسیدند و در پندانی که عید او را در سلول های تنگ به جشن خود بدل می کنند آغاز می کند و با خشوع برجای خونین زخم های پیکر حزبش بوسه می زند؛ بوسه ای شفا بخش و تسلی ده. بوسه ای که فردا بر گونه میلیون ها کودک آزاد و آرزومند ایرانی تکرار خواهد شد. بی تردید! اول ماه مه، روز جشن کارگران سراسر جهان خجسته باد!



ژاپن؛ مانع عادی شدن مناسبات میان اتحاد شوروی و چین

روزنامه "آگاهاتا" ارگان مرکزی حزب کمونیست ژاپن، به دنبال سفر نخست وزیر ژاپن به چین تفسیری منتشر کرده، در این تفسیر آمده است:

در محافل وزارت امور خارجه ژاپن اعلام می‌کنند: اینک یکی از اهداف سیاست خارجی این کشور در ارتباط با جمهوری خلق چین آنست که از عادی شدن مناسبات میان اتحاد شوروی و چین جلوگیری کند. این سیاست جنبه دیگری از تحکیم اتحاد و همکاری نظامی میان ژاپن و ایالات متحده آمریکا است. دستگاه اداری ریگان، خود نیز در صدد است با چین مناسبات استراتژیکی برقرار سازد و به منظور فراهم آوردن زمینه مساعد، قول داده است تکنولوژی پیشرفته نظامی به آن کشور صادر کند.

به عقیده "آگاهاتا"، سفر نخست وزیر ژاپن، در آستانه سفر ریگان به چین، با این هدف صورت گرفت که همکاری سه جانبه میان ژاپن، آمریکا و چین را تشدید کند. کاملاً روشن است قصد اصلی از این تلاش، تحقق این هدف استراتژیکی است که چین را به همکاری با اتحادهای نظامی غربی، زیر رهبری دستگاه اداری ریگان بکشاند. همین هدف انگیزه قول نخست وزیر ژاپن به پرداخت وام‌های هنگفت به چین بوده است.

توکيو بر آنست نقش زمینه ساز سفر ریگان به چین را ایفا کند. چین از جانب خود امیدوار است برای تحقق طرح‌های اقتصادی خود از ژاپن کمک‌های بیشتری دریافت دارد.

روزنامه "ژن مین ژیبائو"، ارگان حزب کمونیست چین، آشکارا چاپ مطالب انتقادی در باره اوضاع اقتصادی - اجتماعی ژاپن را کاهش داده است و همین سیاست را در مورد "قرارداد امنیتی ژاپن - آمریکا" در پیش گرفته و "اکنون برخلاف گذشته عملاً آن را به رسمیت می‌شناسد."

سیاست ضدافغانی چین

ارگان‌های تبلیغاتی چین، کارزار تبلیغاتی خود را علیه افغانستان دمکراتیک با پخش اخبار دروغین همچنان ادامه می‌دهند.

یکی از جنبه‌های اصلی این تبلیغات، کوشش برای سیاه نشان دادن ماهیت مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی و روان کردن سیل افتراءات در مورد کمک انترناسیونالیستی اتحاد شوروی، مبنی بر اعزام یکان‌های محدود ارتش

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به رفیق چرنکو

رفیق ارجمند کنستانتین اوستینوویچ چرنکو صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب شایسته شما را به مقام عالی ریاست هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی صمیمانه تبریک می‌گوید و مطمئن است نقش برجسته و مدبرانه شما در اجرای تصمیمات و برنامه‌های بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی به خاطر تأمین صلح جهانی، نجات بشریت از خطر جنگ ناپود کننده هسته‌ای که ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیستی جهان به سرکردگی امپریالیسم آمریکا دامن می‌زنند، به خاطر رفع تشنجات در عرصه مناسبات بین‌المللی، تأمین دوستی و حسن تفاهم و همکاری سالم و سازنده بین خلق‌ها و کشورهای جهان و نیز به خاطر پشتیبانی اتحاد شوروی از جنبش خلق‌ها در راه استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی، موفقیت‌های بازم درخشان‌تری را برای سیاست پیگیر صلح‌دوستی حزب پرافتخار لنین و کشور و ملل اتحاد شوروی به ارمغان خواهد آورد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران اطمینان دارد در سایه این سیاست روشن و بی‌ابهام، مناسبات دوستانه تاریخی فی‌مابین ملت ایران و ملل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی همچنان به نفع ملت‌های ما و به نفع صلح جهانی گسترش و عمق بیشتری خواهد یافت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

خود به جمهوری دمکراتیک افغانستان است. به عنوان مثال نشریه "چاینا دیلی" متعلق به خبرگزاری رسمی چین چندی پیش بر سر ناپود کردن دهکده پاراسلان تبلیغات خصمانه گسترده‌ای به راه انداخت. این دروغ، به طور کامل رسوا شد.

با این حال دستگاه‌های دروغ پراکنی چین همچنان کار می‌کنند! چه روز پیش، خبرگزاری "سین‌خوا"، از قول "روزنامه‌های باند‌های ضدانقلابی شایع کرد گویا "صدها تن از اهالی غیرنظامی افغانستان قربانی گازهایی شده‌اند که در بسباران ایالت قندهار، توسط ارتش شوروی به کار برده شده است."

اما واقعیت چیست؟ همان طور که چندی پیش اعلام شد، هنگام سرکوب یکی از باند‌های صادر شده به افغانستان، نامه‌ای حاوی دستوراتی از جانب س. آ. آی. به مزدوران افغانی به دست آمد که چگونه صحنه استعمال مواد سمی (از طرف اتحاد شوروی) را بپردازند. سناریو از این قرار بود که ایالات متحده، خود مواد سمی شیمیایی را به افغانستان می‌فرستد و بعد با وقاحت اتحاد شوروی را متهم به استفاده از آنها می‌کند.

شایعات بی‌اساس مربوط به استعمال جنگ‌افزار شیمیایی توسط اتحاد شوروی در افغانستان تا به حال بارها توسط محافل صلاحیت‌دار بین‌المللی واز جمله کارشناسان سازمان ملل متحد تکذیب شده است. اما خبرگزاری چین پیوسته ادعای قدیمی خود را تکرار می‌کنند.

**کمک مالی به
حزب توده ایران،
یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در
فرانسه (سنت ائین)
هزینه چاپ این شماره "راه توده" را
تأمین کردند**

رفیق س. ۱۰۰ مارك

RAHE TUDEH
No. 89
Monday, 30 April 84

**Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90**

Price:

England	30	P.
West-Germany	22	Fr.
1 DM	Italy	600
France	3 Fr.	U.S.A.
Austria	8 Sch.	Sweden
		3

Cts. Skr.

